

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان

در برابر تهاجمات رژیم از فدائیان خلق حمایت کنید!

هم میهنان مبارز!
سازمانهای انقلابی، ترقیخواه و میهن پرست!

رژیم شهبکار و خونریز خمینی در ادامه تلاشهای اهریمنی اش برای سرکوب مبارزات مردم و نا بودی سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران، از مدتی پیش یورشهای تازه ای را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آغاز کرده است. سپاهیان و مزدوران رژیم همه امکانها را خود را در تهران و شهرستانها بکار انداخته اند تا مگر با این تهاجم دیدرهمبران، کارها و اعضا سازمان را درگیری و آسیب نرسانند. فعالیت انقلابی ما را که در سراسر کشور جریان دارد، متوقف نمائید. در نتیجه این تلاشهای فاشیستی به چندواحد سازمانی ما درتهران، سراسر و شهرستانها ضربه وارد شده و عده ای از کارها و اعضا سازمان ما آسیب گشته اند. ساواک خمینی فدائیان با زداخت شده را به منظور کسب اطلاعات از تشکیلات و فعالیت سازمان زیر شکنجه شدید جسمی و روانی قرار داده و جان آنها در معرض خطر جدی است. رژیم خمینی که خمبوسی از زمیندگی سازمان ما و محبوبیت آن در میان مردم مبارز ایران آگاه است، همچنین با تکیه بر شکنجه های جسمی و روانی شدید تلاش می کند تا شاید از میان رفقای اسیر ما کسانسی را در هم بپسندد و بر آنها ضربه معنوی وارد آورد. رژیم که سرتاپا در بحران و فساد دو خون غرق شده و کوس رسوایی آن در هفت اقلیم جهان به صدا درآمده است بخراندانه گمان دارد از این تلاشهای ددمنشانم چیزی برای افزودن بر ضرورتها پایش بدست می آرد!

هم میهنان آگاه و مبارز!

علیرغم سالها تهاجم خونین رژیم خمینی به نیروهای انقلابی و مردمی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توانست با حفظ تشکیلات و وحدت رژیم منهد صفوف خود، فعالیت انقلابی خویش را در زیر چتر خفقان قاطعانه تداوم بخشد و مستحکم ترین سنگر انقلاب در داخل کشور گردد. شعارها، اعلامیه ها و نشریات سازمان ما، با همه تلاشهای رژیم بطسور مرتب در کشور پخش شده و بقا از چهره شیرنگ با ز ولید و ارتجاع حاکم برگرفته است. فعالیت سازمان یافته فدائیان خلق در میان کارگران و دیگر سرزحمتگان کشورمان بدون وقفه پیش رفته است و در اغلب اعتمایات و تظاهرات کارگران و زحمتگان فدائیان حضور موثر خود را نشان داده، به همین علت بقیه در صفحه ۲

سوم آبان، روز همبستگی با جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان

دولت انقلابی افغانستان روز سوم آبان (۲۵ اکتبر) را روز بیسن المللی همبستگی با جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام کرده است. این روز فرصت مناسبی است تا نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان با ابراز مجدد پشتیبانی و همبستگی با انقلاب شور و دولت انقلابی افغانستان کسارزار شلیفانی گسترده ای را که امپریالیسم و ارتجاع علیه دولت و مردم افغانستان ادامه می دهند، بی اثر سازند.

با بیای موفقیت های جمهوری دموکراتیک افغانستان در راه گسترش پایه اجتماعی انقلاب از طریق تحولات دموکراتیک و انقلابی و تحکیم توان دفاعی آن در برابر ارتجاع داخلی و امپریالیسم، ثبات و واقع به نحو چشمگیری افزایش یافته است. این موفقیت ها دشمنان مردم افغانستان را بیشتر به خشم آورده است. سیل کتک های که از بقیه در صفحه ۲

سکتاریسم، بیماری ریشه دار
سازمانهای چپ در صفحه ۵

مذاکرات ریکیاویک، گواهی دیگر بر حقانیت سوسیالیسم

در شرایطی صورت گرفت که از طرفی راست تریسن محافل امپریالیستی آمریکا همچنان با هدف کسب برتری نظامی برای تها دشواری و برهم زدن تعادل استراتژی جهان، برگسترش تولید و انبساط سلاحهای هسته ای و اجرای برنامه "جنگ ستارگان" مسرا می ورزند و جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای می کشانند. از طرفی دیگر کشورهای سوسیالیستی با احساس مسئولیت تمام و با همه نیرو و رجحان تخفیف تشنج و بهبود اوضاع جهانی تلاش می کنند. اینکارات و پیشنهادهای مکرر تها دشواری برای کاهش و نابودی سلاح های هسته ای و گسترش جمعیتی قطع مسابقه تسلیحاتی و اینکارات قطع یک جانبه انجام هرگونه آزمایش هسته ای از سوی آن کشور را بیانگر اراده قاطع سوسیالیسم در پایداری از صلح جهانی است.

در جریان مذاکرات ریکیاویک تها دشواری پیشنهاد کرد که کلیه تجهیزات به گانه استراتژیک یعنی موگ های مستقر در روی زمین و در زیر دریاییها و هواپیماهای استراتژیک حامل سلاحهای هسته ای به نصف تقلیل یا بدوهمه موشکهای میان بردشواری و آمریکا در اروپا بکلی نابود گردد (این پیشنهاد از آن جهت نیز هم دارای اهمیت بود که موشکهای بقیه در صفحه ۲

ملاقات میخائیل گارباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و ریگان وریگان مهمترین رویداد در نقطه عطفی در مهابر مسابقه تسلیحاتی و برطسرف کردن خطر جنگ هسته ای باشد. اتحاد شوروی با پیشنهادهای مشخص و آما دگسی کافی وارد مذاکره شد. میخائیل گارباچف در دید و ورود به کشور ایسلند گفت: "من با احساس مسئولیت به ایسلندگام می گذارم. اتحاد شوروی آماد ه است راه حل های بی برای میرم ترین مسایل ملت ها جستجو کند و قبل از هر چیز به جستجوی راهی بی برای دور کردن خطر بیروزی جنگ هسته ای بپردازد. در مقابل ریگان گفت: "تضمینی برای موفقیت گفتووها وجود ندارد."

مردم جهان چشمه مذاکرات ریکیاویک دوخته بودند و امیدوار بودند که این مذاکرات نتایج مشخصی ببار آورد. همزمان با برگزاری مذاکرات، راهپیمایی ها و تظاهرات گوناگونی در نقاط مختلف جهان، علیه جنگ و برای خلع سلاح برپا گردید که شرکت کنندگان در آنها در قطعنامه ها و شعارهای خود خواستار قطع آزمایشهای اتمی و برچیدن موشکها و محو سلاحهای هسته ای شدند. دیدار رسان دو کشور اتحاد شوروی و آمریکا

لایحه "جدید" قانون کار نیز ارتجاعی است

لایحه جدید قانون کار اسلامی، مصوب کمیسیون کار و موارداری و استخدا می مجلس، برای تصویب نهایی به "مجلس شورای اسلامی" ارائه شد. پس از شکست مفتضحانه پیش نویس توکلی، این سوسیالیست لایحه ای است که طی سه سال وزارت سرحدی زاده تدوین شده و برای تصویب نهایی "انتشار می یابد. تدوین یک قانون کار مترقی و دموکراتیک، از آغاز بیروزی انقلاب بهمن تا کنون، عمده ترین مسن مطالبه صفتی کارگران بوده است. دولت با زرگان سعی کرد با حفظ قانون کار زمان شاه، این مطالبه صفتی توده ای را نادیده بگیرد. توکلی نیز مذبحانه کوشید تا روح مناسبات بدوی دوره صدرا سلام را در قالب قانون کار زمان شاه بدمد. این هر دو به شکست انجامید. سرحدی زاده با استفاده از تجربه پیشینان در پیمن ماه ۶۲ لایحه ای تنظیم کرد که ملغمه ای بود از پیش نویس توکلی و قانون کار زمان شاه. اما این لایحه و نیز لایحه بعدی آن که در اردیبهشت ۱۳۶۴ انتشار یافت، هیچکدام مورد قبول کارگران واقع نشد.

اکنون ۱۶ ماه پس از تعلیق آخرین لایحه قانون کار "لایحه جدید" با برخی اصلاحات بازنویسی شده و انتشار یافته است. مقایسه سه لایحه دوره وزارت سرحدی زاده نشان می دهد که چگونه رژیم بعد از پس گرفتن پیش نویس قرون وسطایی توکلی و در برابر برقاومت کارگران ناگزیر به عقب نشینی های شده است. مهمترین این موارد عبارتند از:

پیم به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتبر در صفحه ۳

بپذیرش اصل عامه شمول بودن قانون کار، افزایش مرخصی ها و کاهش ساعات کار (نسبت به لایحه ۶۴)، تعیین سن ۱۵ سالگی بعنوان سن حداقل کار و تعطیلی رسمی روز اول ماه مه. اما آنچه که در همه این لوایح ثابت مانده و در لایحه جدید نیز بی نظیر بازی خود را نشان می دهد، نقض اساسی ترین حقوق صفتی کارگران یعنی حق را و امنیت شغلی، حق شکل و حق اعتصاب است. با توجه به اینکه تغییرات وارده در لایحه جدید نسبت به لایحه سال ۶۴ محدود است، لیسذا می توان گفت که بخش اعظم مواردی را که در محور، در افشای لایحه سال ۶۴ در ۱۷ و ۱۹ نوشتیم، در مورد لایحه جدید نیز صادق است. لایحه جدید قانون کار در برابر با حق امنیت شغلی و مساله اخراج تصریح کرده است که اخراج کارگرتوسلط کارفرما تنها پس از اعلام نظر مثبت شورای اسلامی بقیه در صفحه ۱۱

هشدار نسبت به خطر یک کشتار بزرگ

کمیته مرکزی سازمان در رابطه با تدارک حمله گسترده رژیم جنگ افروز خمینی نامه ای با عنوان "هشدار نسبت به خطر یک کشتار بزرگ" برای سازمانهای بین المللی و رهبران کشورهای زبیر ارسال داشت. خا ویر پرز دو کوشیا ر دبیرکل سازمان ملل متحد، رابرت موگابه رییس جنبش غیرمتحد ها را مش چا ندرا رییس شورای جهانی صلح، میخائیل گارباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، فیدل کاسترو دبیرکل حزب کمونیست کوبا، راجیو گاندی نخست وزیر هند، حافظ اسد رییس جمهور سوریه، شاذلی بن جدید رییس جمهور لجزا یر. در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از قتل عام جدید جلوگیری کنیم!
در صفحه ۲

- ★ درباره تهیه و ارسال گزارش، خبر و اطلاعات در صفحه ۱۰
- ★ فاتیسم هیلتی سرمشقی برای رژیم خمینی ... در صفحه آخر
- ★ انجمن های اسلامی محکوم به انحلال اند در صفحه ۱۱
- ★ ما زانمی توان به زانو درآورد! در صفحه ۹
- ★ "صفو زندانیان" عوامفریبی تازه رژیم در صفحه ۴

دو این شماره

- ★ اکتبر، چرخش بنیادین تاریخ در صفحه آخر
- ★ حکایت "تغییر الگوی مصرف" در صفحه ۸
- ★ حزب دموکرات کردستان ایران:
- ★ ۴۳ های مثبت در راه اتحاد در صفحه ۴

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از قتل عام جدید جلوگیری کنیم!

مردم مبارز ایران!

رژیم در تدارک فاجعه عظیمی است. قتل عام جدیدی در راه است. در آرزو هستیم سال جنگ خمینی نقشه هولناکی برای جوانان شما کشیده است. او حمله بزرگی را تدارک دیده است. اگر این حمله آغاز شود، سیل خون جاری خواهد شد و دهها هزار انسان بدگرطمه جنون خمینی خونخوار خواهند شد.

به فرمان خمینی جیره خواران رژیم به جوانان مردم افتاده اند. کارگران، کارمندان، پیشه‌وران را به زور به جبهه‌ها می‌برند. گزیده‌های رژیم شهرها را ترقی می‌کنند، گلوگاه‌های آن را می‌بندند، خیا‌بانی‌ها و کوچه‌ها را زیر پای می‌گذارند، در محله‌ها، سینماها، پارکها و هر کجا که ممکن شود کمین می‌کنند، تا جوانان بیزار از جنگ را روانه جبهه‌ها بیاورند. کمینده‌ها، زاندا ریه‌ها و کمینده‌ها، روستاها را در چوب‌بندی شکار جوانان زیر پای می‌گذارند. وضع دانشجویان دانش‌آموزان از این هم بدتر است. وزیر خمینی وعده داده است که سال ۵۰ هزار دانش‌آموز را به قتلگاه روانه‌کنند.

کارگران آگاه ایران!

طبقه کارگران ایران هیچ وقت مثل امروز تحت فشار نبوده است. رژیم کارگران را بر سر دوراهی مرگ قرار داده است. یا جبهه، یا بیگاری و گرسنگی. بر اثر جنگ کارخانه‌ها تعطیل و کارگران گرسره گره اخراج می‌شوند. به جای راه انداختن صنایع همه ارزگشور خارج خریدار سلحه و اداه جنگ می‌کنند. راه نجات کارگران از وضع دشوار کنونی مبارزه یکپارچه علیه جنگ و رژیم خمینی است. در این مبارزه کارگران تنها نیستند. جرم خمینی و ایادی او، جرمشنی تاجرو سرمایه‌داران تاجر، همه خود را قطع جنگ هستند. حتی صدام به صلح تمسک داده است. تا جنگ ادامه دارد، اخراج گروهی و کاهش دستمزدها متوقف نمی‌شود. راه توقف سیل

دروا بر لجاجت رژیم...

قطع فعالیت سازمان ما به یکی از آماج‌های عمده رژیم در راستای تلاش آن برای سرکوب و نابودی مجموعه جنبش انقلابی و مردمی ایران تبدیل‌شده است.

دشمنی رژیم خمینی با فدائیان خلق از دشمنی کین‌تورانه آن با کارگران و زحمتکشان و با همه خواست‌ها و آرزوهای برحق شما سرچشمه گرفته است. این رژیم می‌خواهد اعتراض و مبارزه علیه جنگ و بی‌انگیزگی علیه اختناق و سرکوبی علیه بیگاری و گرانسی علیه ستم و بهره‌کشی را خاموش سازد. می‌خواهد شما را که دلیران و قهرمانان رژیم ستمشما هستی را سرنگون گردید به رژیم ستم‌آخوندی تسلیم کند، اما خمینی و رژیم او هم مثل شاه و رژیمش این آرزو را بیگور می‌برند.

هم‌میهنان مبارز!
رفقای ندائی!

فدائیان خلق فرزندان رزمنده مردم مبارز کشور خویش اند و پیشاپیش کارگران، زحمتکشان و همه مردم صلح دوست و ترقیخواه ایران تا آخرین نفس و تا نابودی کامل رژیم بهره‌کشی و ستم‌شردخواهند کرد. فدائیان خلق شکست‌ناپذیرند، چرا که کارگران و زحمتکشان شکست‌ناپذیرند، فدائیان خلق به قدرت حماسی مردم بی‌خاسته و به سنت‌های حماسی خویش در برابر ستم‌ناپذیر با دشمنان خلق مجهزند. فدائیان خلق با تکیه بر این سنت‌ها و در برابر تفرق و عشق و ایمان به آزادی و پیروزی مردم، در برابر تهاجمات رژیم ارتجاع هر چه استوارتر می‌ایستند و این تلاش‌های دردمشانه و محکوم به شکست را با شدیدبیکار انقلابی در راه صلح و دموکراسی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت انقلابی خلق پاسخ می‌گویند.

برای درهم شکستن تلاش‌های سرکوبگرانه رژیم علیه توده‌های خلق و سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه، برای تامین صلح و آزادی و سرنگونی ارتجاع متحده رژیم،

زنده باد صلح، زنده باد آزادی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار بادا حکمیت انقلابی خلق

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۵ مهر ۱۳۶۵

اخراج می‌کند، طرح‌ها را قطع می‌کند. اعلامیه، بیسم و شعارهای صلح فدائیان خلق را در سراسر جبهه‌ها و در پادگانها پخش کنید. با هر وسیله و بپایه‌تکمی می‌توانید جبهه را ترک کنید.

نیروهای انقلابی و مترقی ایران!
مردم ایران یکپارچه خواهان صلح هستند. اگر ما می‌توانستیم برای قطع جنگ متحمل کنیم و مردم را با شتام قواعلیه رژیم بسیج‌نما بیسم، چشم‌انداز صلح اینچنین تیره نبود و خمینی هرگز نمی‌توانست اینچنین جنگ را ادامه دهد. گلینند صلح در اتحاد خلق ما است.

سربازان و همفران!
در جبهه‌ها و افسران میهن پرست!
شما کارگران آگاه هستید که هر حمله رژیم چه قربانیهای بزرگی می‌کشد. شما به چشم خود می‌بینید که سیل سلاحهای مرگ چگونه مخفیانه از اسرائیل، انگلیس، آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی خریداری می‌شود. دود جنگ به چشم شما و سود آن به جیب آخوندهای حاکم و کمپانی‌های بزرگ اسلحه‌سازی غرب می‌رود.

اجازه ندهید دو ایریسی - ایدئولوژیک، سپاه و بسیج، خمینی پرستان و شاه پرستان زندگانی شما را تباہ کنند. نگذارید آنها به ترتیب و هر زمان که می‌خواهند فاجعه‌ها فریبند. جلوی آنها محکم بایستید.

به جبهه نروید، در حملات شرکت نکنید. جبهه جنگ را به جبهه مبارزه برای صلح تبدیل کنید. حصول شرایط صلح در دور چشم عوامل رژیم متشکل شوید و برای قطع سریع تر جنگ بیکار نکنید.

جوانان!
دانشجویان و دانش‌آموزان مبارز!

شما قربانیان اصلی این جنگ، گوشت دم‌توب آخوندهای حاکم و اسلحه‌فروشان غرب هستید. هر کس که به ما تهن در جبهه تن دهد، به استقبال سوگ خانوادش می‌رود. رژیم به شما وعده بهشت و تضمین قبولی می‌دهد. این وعده‌ها دروغ است. برای کشتار شماست. در جبهه‌ها بهشت خبری نیست. آنجا جهنم سوزان، آتش، خون و مرگ در انتظار شماست. بهوشکل که می‌توانید از زیر پای رژیم به جبهه‌ها شانه‌خالی کنید، جبهه نروید. اگر در جبهه‌ها با دگان هستید، سعی کنید توده‌سربازان، درجه‌داران و افسران آگاه را به مبارزه صلح طلبانه جلب

مذاکرات ریگیاویک...

فراسه و انگلیس متعلق به تا تو را شامل نمی‌کند) همچنین از سوی اتحاد شوروی پیشنهاد کردید. موشکی دارای شعاع عمل کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر متعلق به بیما در روشن‌نجم‌گرد و اتحاد شوروی فقط ۱۰۰ کلاهک روی موشکی خود در آسیا داشته باشد و ایالت متحده آمریکا هم دارای همین تعداد کلاهک در خاک خود باشد. پیشنهاد شد که طرفین بپذیرند که طی ده سال آینده از "حقیق خروج از قرارداد" استفاده نکنند و در این مدت که تقلیل زرادخانه‌های دو طرف ادامه دارد، همه مواد قرارداد دفاعی موشکی رعایت و تهیه و آزمایش سلاح فضایی ممنوع گردد و موشک‌ها در عرض آزمایشگاه محدود بمانند.

ارکشن‌های اولیه ریگان در مذاکرات "ریگیاویک" در برابر پیشنهادها و رای‌ها شده توسط میخائیل گابریل منفی نبود. طرفین در آغاز مذاکرات به سه سرری توافق‌های قابل توجه نیز دست یافتند، ولی مذاکرات با سرری مثبت قرارداد دفاعی خدمت‌گساری و منع آزمایش سلاح فضایی به بن‌بست رسید. ریگان اصرار داشت که حتی آزمایش درجا چوب "برنا مسه دفاع استراتژیک" محفوظ بماند و نه تنها در آزمایشگاه بلکه در خارج از آن منجمد در فضای کیهان باقی‌ماند مجاز باشد.

بدین ترتیب مذاکرات "ریگیاویک" با وجود توافق‌های اولیه، عملاً توسط ریگان به بن‌بست کشانده شد. ریگان با ردیگره خواست میلیاردها انسان مبنی بر رفع خطر جنگ هولناک هسته‌ای و قطع مسابقه تسلیحاتی پاسخ منفی داد. اما هیتلر تا جایی که جنگ افزونانه دولت آمریکا را به نمایش گذاشت، مذاکرات با ردیگره بر این نکته صحت گذاشت که سیاست‌گذاران اصلی که ضعیف‌ترین معنی مجتمعات بزرگ صنعتی - نظامی بهیچ چیز جز کسب سود بیشتر نمی‌اندیشند، موجودیت این مجتمع‌ها در گرو تولید هر چه بیشتر مسابقه تسلیحاتی و انجام پروژه‌های

دهه‌ها میلیاردری تسلیحاتی است. دولت ریگان که در مدد دست‌پاچی به برتری استراتژیک بر کشورهای سوسیالیستی است، تصور آنرا دارد که گویا اتحاد شوروی با کاهش یکجانبه سلاحهای خود موافقت کرده و از تجهیز کشور به سلاحهای جدید خودداری خواهد کرد. در واقع با گذشتن مسابقه تسلیحاتی و اختصاص بودجه‌گزار برای تسلیحات نظامی از لحاظ اقتصادی نتوان فرسوده خواهد شد. این تصورات تنها می‌تواند منجر به گسترش هر چه بیشتر مسابقه تسلیحاتی و افزایش خطر جنگ هسته‌ای شود.

بررسی اولیه انعکاس مذاکرات "ریگیاویک"

کنید، در حملات مطلقاً شرکت نکنید. اعلامیه، بیسم و شعارهای صلح فدائیان خلق را در سراسر جبهه‌ها و در پادگانها پخش کنید. با هر وسیله و بپایه‌تکمی می‌توانید جبهه را ترک کنید.

نیروهای انقلابی و مترقی ایران!

مردم ایران یکپارچه خواهان صلح هستند. اگر ما می‌توانستیم برای قطع جنگ متحمل کنیم و مردم را با شتام قواعلیه رژیم بسیج‌نما بیسم، چشم‌انداز صلح اینچنین تیره نبود و خمینی هرگز نمی‌توانست اینچنین جنگ را ادامه دهد. گلینند صلح در اتحاد خلق ما است.

سازمان ما همه سازمانهای مترقی ایران را به همکاری و اتحاد عمل در راه صلح، در راه اهداف مشترک و سرنگونی رژیم فرا می‌خواند. مبارزه مشترک ما در راه بسیج خلق علیه جنگ و رژیم، بسیج افکار عمومی جهانی علیه جنگ طلبی خمینی، علیه صدور اسلحه و کلاهک‌های مرموز دنیا، جبهه، ادامه جنگ توسط رژیم را با دشواریهای جدیدتری روبرو می‌سازد. به فراخوان ما برای همکاری مسئولانسه پاسخ دهید!

مردم مبارز ایران!

ابداً بسیج همگانی جدیداً بدیده راه‌ها بعداً جنایتی که در پیش است، آگاه کند. سران رژیم تبلیغ می‌کنند که این حمله، آخرین حمله آنها به عراق است. اما جنگ راه حل نظامی ندارد و خمینی هم صلح نمی‌خواهد. وعده‌های گریلا و قسد سر را با دروغ‌هایی نفرت‌انگیز و تهاجمی زکا رانده اند. هشیار باشید! جلوی حمله تازه را بگیری. از قتل عام جدید جلوگیری کنید.

زنده باد صلح - مرگ بر خمینی جنگ افزوز سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۶۵

و نتایج آن در سطح جهان نشان می‌دهد که مواضع و پیشینه‌های سازنده و عملی اتحاد شوروی مورد حمایت جهانیان است. در حالی که موضع دولت آمریکا در این مذاکرات با موج مخالفت جهانیان روبرو شد. این مخالفت‌ها موجب شد که دولت ریگان بلافاصله به تبلیغ گسسته علیه اتحاد شوروی دست زده و نمایندگان خود را به کشورهای مختلف جهان جهت توجیه موضع خود در "مذاکرات" ریگیاویک بفرستد.

علیرغم اینکه در "ریگیاویک" یک شانس بزرگ تاریخی از دست رفت، ولی امید به توافق هنوز بین طرف‌هاست. مذاکرات بین‌المللی یک گام جدید و اقدامی سودمند است که تا نازدهای فراهم آورده و راه را برای گسترش مبارزه‌ای بخاطر صلح و صلح هموار کرده است. لازم و ضروری است از همه مکان‌ها بدست آمده برای عقب‌نشاندن محافل جنگ افزوز امپریالیسم و برپا کردن صلح جهانی بهیچ‌جست و واقعیت این است که علیرغم کارشناسی‌ها و تبلیغات امپریالیسم، مذاکرات "ریگیاویک" در پیشگاه بشریت صلح دوست‌دلیل دیگری بسیاری اثبات صلح دوستی و حقانیت کشورهای سوسیالیستی بوده است. بدون شک تعرض نیروهای صلح‌تداوم و گسترش می‌باید میدان ما نورهای عوام‌مفربانه امپریالیسم را با زخم‌تنگ و تنگ تری کرده، بازی با صلح جهانی، بازی با سرنوشته بشریت است و ادامه چنین بازی اهریمنی برای جنگ افزوزان امپریالیست هر روز دشوارتر می‌شود.

قانون کار باید منافع حقوق کارگران باشد

کارگران مبارز!

لائحه جدید قانون کار لایحه‌ای است ارتجاعی و چون:

- حق ایجاد تشکل‌های منقعی مستقل، در فصل ششم لایحه باطل شده.
- حق کاروان امنیت شغلی کارگران در مواد ۲۴ و ۲۵ نقض شده.
- حق اعتصاب و هرگونه اعتراض حق طلبانه از کارگران سلب شده است.

بنابراین لایحه جدید قانون کار، برای تامین حق امنیت شغلی، حق ایجاد تشکل منقعی مستقل و حق اعتصاب، مبارزه کنید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

فقای گرامی!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برشورترین و صمیمانه ترین درودهای خود را به مناسبت شصت و نهمین سالگرد انقلاب کبیر روسیالیستی اکتبر به شما، به حزب کبیرلنیستی خلق شوروی ابراز می دارد.

انقلاب ظرفیون اکتبر که طلوعه دوران جدید تاریخ، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم کمونیسم بود، سیمای تاریخ بشریت را دگرگون نموده و نظامی را بنیان گذاشت که در آن از ستیزان، ستم‌دیدگان و استثمارگران خبری نیست. در نظام نوین که مبتنی بر عدالت اجتماعی است، نسل نوینی از آزادگان تاریخ که خود را کم‌برسر نوشتن خویش هستند، پرورش یافته اند.

پیروزی انقلاب اکتبر و راه طی شده توسط نخستین دولت سوسیالیستی جهان و پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، حقانیت را کسب و لنینیسم و وجود قدرت عظیمی را ثابت کرد که سوسیالیسم پیخته است. کمونیست‌ها و انقلابیون سراسر جهان حق دارند به این دستاورد‌ها با اندوه و تأنها ارج نهیند.

اکتبر کبیر و دولت جوان شوراهای الهام بخش، مشوق تاریخی، پرولتاریای همه کشورهای شدویه جنبش کمونیستی و کادری و جنبش‌ها و انقلابات آزادیبخش جهان نیروی تازه‌ای بخشید. این جنبش‌ها در سیمای دولت‌شوراهای نگه‌گناه نیرومند و استواری برای دامه مبارزه و پیروزی‌های خود یافتند. مبارزات عری طلبانه مردم میهن ما نیز از جدیت‌های کبیر شوراهای ناگشون از حمایت‌های بی‌دریغ آن برخوردار بوده است.

فقای گرامی!
امروز که جامعه بزرگ کشورهای سوسیالیستی و شکوهمند ساختار سوسیالیسم پیشرفته را در بخش وسیعی زگره‌خاک می گیرد، از امکانات بی‌سابقه بشری برای پیروزی هر چه بیشتر مردم خود و خیر و صلاح بشریت برخوردار است. این امکانات بویژه در برتر لائیک‌ها مانده و حماسی خلق شوروی تحت رهبری زب‌لنین اوضاع جهان را به سود نیروهای صلح و مگرایی، استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم تغییر می دهد.

در این جهان نیم‌و امید، در حالی که محافل ننگ‌افروز امپریالیستی آمریکا با تشنج آفرینشی و خیم‌تر کردن اوضاع بین‌المللی دلپره و اضطرابی شریک را با عت می شوند، اتحاد شوروی با سیاست شین و عمیقاً صلح‌جویانه خود، همه توان خویش را بکار می گیرد تا با رقه‌های امید در دل بشریت بر فرورغ تر کرد و اوضاع بین‌المللی بهبود یابد. نوش‌های مسئولانه و آسان‌اندوستانه اتحاد شوروی راه تامین صلح و رفع تشنج جهانی، پشتیبانی و از افزون بشریت ترغیب‌خواه و صلح دوست را برانگیخته ست. امروز که می گردد، ابتکار و پیشنه‌دهای دولت اتحاد شوروی در کاهش و نابودی بلاجهت‌های سته‌ای و کشتار جمعی از حمایت‌گسترده تسری از

بومیه از صفحه اول
بوم‌آبان...
نائب دولت ریگان و ارتجاع منطقه برای ضد انقلاب افغانستان سرزبرنده است، گواه تلاش امپریالیسم ارتجاع برای جلوگیری از همین روند است. در طول تمام دوره پس از انقلاب شور ارتجاع زخم‌خورده اخلی، امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه‌همه بیرونی خود را بکار گرفته اند تا انقلاب مردم‌مسی افغانستان را به شکست بکشند. امپریالیسم آمریکا ارتجاع منطقه با تجهیز ضد انقلابیون افغان به لاجهای هر چه بیشتر و مدرن تر، ایجاد اردوگاه‌های آموزش نظامی در کشورهای پاکستان و ایستوران، لاش برای متحد کردن یا ندهای خرابکار رمتسفر، ستاده از هر چه اقتصادی و سیاسی علیه افغانستان، می خواهند از انقلاب افغانستان انتقام بگیرند.

امپریالیسم آمریکا با سنگ اندازی در مذاکرات بنوک که بمنظور حل مسأله امت‌آمیزمساله افغانستان برین بنامیندگان دولت‌های افغانستان و پاکستان میان دارد، در تلاش است این مذاکرات را علیه مردمی صلح‌جویانه و پیشنه‌دات عملی دولت افغانستان به شکست بکشد.
امپریالیسم آمریکا از زمان ابتدا با تحریف‌های کیمک‌های انترناسیونالیستی اتحاد شوروی را دروغ پردازی و عوام فریبی آنرا مداخله‌ها و مورد اخلی افغانستان اعلام داشته است. در حالی که کیمک‌های اتحاد شوروی در مقام از انقلاب افغانستان و دستاوردهای آن و در خدمت تشبیهت و ستم‌داری و مقابله با دسیسه‌های ارتجاع‌ساع امپریالیسم آمریکا بوده است، اگر مداخلات آمریکا پاکستان و دیگر مرتجعین منطقه در امور افغانستان بود، اگر مسأله بسیج و تجهیز ضد انقلابیون افغان توسط امپریالیسم و هم‌دستان آن وجود

کشورها، نیروها، محافل و شخصیت‌های جهان سوسی بر خوردار می‌گردد. گسترش جنبش خود را از دموکراتیک علیه جنگ و علیه تولید و نابرابری هشتهای، خودگواه حقانیت ستهای مسئولانه حزب کمونیست دولت شوروی است. اما زمامداران آمریکاسا همچنان در پی انتقام جویی از سوسیالیسم و کسب برتری نظامی برای اتحاد شوروی هستند. آنها با سیاست‌های نظامی‌گرا نه و ماجراجویانه و بسا در پیشگیری سیاست گسترش تولید سلاح‌های مرکب‌ساز و اجرای برنامه "جنگ ستارگان" و نظامی کردن کیهان و کار رکنی در پیشرفت‌های صلح‌جویانه و به بن بست کشیدن مذاکرات صلح، صلح و امنیت ملل را با زیجه مطامع انحصارات ملیتاریستی امپریالیستی قرار می دهند. آنها همچنان وسیع از سلاح شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی بساری پیشبردا اهداف جنگ طلبانه و ضد انسانی خود پیسره می گیرند.

امروز در هر جای جهان که آتش جنگی شعله ور می شود، بیای امپریالیسم آمریکا در دفاع از نیروهای ارتجاع در میان است. جنگ ویرانگر ایران و عراق نیز که طی بیش از ه سال صدها هزار ایرانی و عراقی را قربانی گرفته و میلیونها نفر را آوار و بی‌خانمان کرده، بخش عظیمی از دستاورد‌های انقلاب ما را بلعیده و سیه‌واری و بدبختی نصیب مردم ما کرده است. به تحریک امپریالیسم آمریکا آغساز شده و ادامه آن نیز در خدمت منافع امپریالیست رژیم حاکم بر مینمان ما نیز در راستای همین نیلای براداره جنگ اصراری ورزد.

رفقای ارجمند!
ما عمیقاً اطمینان داریم که حل مسایل تکامل شکوفان سوسیالیسم و وظایف سترگی که کنگره تاریخی ۲۷ حزب برای شتاب بخشیدن توسعه اجتماعی سوسی اقتصادی جامعه در دست خرق زحمتکش و صلح‌دوست شوروی گذاشته است با پشتکاری و شرکت فعال و آگاهانه مردم شوروی به انجام خواهد رسید. فدائیان خلق ایران خود را شریک موفقیت‌های پیروزی‌ها و اطمینان به آینده حزب و ملت مردم شما می دانند.

احاره دهید یک بار دیگر از سوی اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، طبقه‌ساز کارگروه مردم ایران و با اعلام حمایت قاطع از سیاست‌های صلح‌جویانه اتحاد شوروی، صمیمانه ترین تعهدات خود را به مناسبت شصت و نهمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر ابراز می‌داریم و بر حمایت و پشتیبانی کمونیست و مردم شوروی موفقیت‌های روزافزون آرزوکنیم.

زنده باد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر
زنده باد ما رکیسم-لنینیسم
و انترناسیونالیسم پرولتری

کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دسیراول - فرخ نگهدار
۲۵ اکتبر ۱۹۸۶

نمی‌داشت، اگر مدور ضد انقلاب به افغانستان جزو وظایف مقدم "سیا" در منطقه نبود، انقلاب افغانستان نیز به کمک‌های نظامی دوستان خود پیدا نمی‌کرد. دولت افغانستان و اتحاد شوروی همواره تا کید کرده اند که با پایان مداخلات امپریالیسم و ارتجاع منطقه در افغانستان حضور و اجدهای نظامی شوروی نیز موضوعیت خود را از دست می دهد. اما در مقابل، آمریکا همواره تقاضای این بوده که انقلاب افغانستان به زور و گویبیهای آن تسلیم شود.

اکنون اتحاد شوروی با اقدام سازنده و جسدی خود، شش‌هنگ که متجاوزان ۸۰۰۰ پرسنل نظامی را شامل می شود، از افغانستان خارج کرده و اعلام نموده است که در صورت تضمین برای قطع مداخله در امور داخلی افغانستان، برنامه زمان بندگی خروج نیروهای محدود نظامی شوروی را سرعت خواهد بخشید. این امر که نشانه روند تشبیهت و بازگشت اوضاع عادی در افغانستان است، دشمنان انقلاب شوروی در تنگنای اندازد.

واشنگتن "گاسپارو این برگر" وزیر دفاع آمریکا را روانه پاکستان کرده و قول ۴ میلیارد دلار آن صرف جدید به پاکستان داده است که ۲ میلیارد آن صرف به کمک‌های نظامی اختصاص خواهد یافت. علاوه بر این آمریکا در شاد رک فروش خواهد پیما های جاسوسی صدها میلیون دلاری "واکس" به پاکستان است تا مرزهای پاکستان و افغانستان را زیر کنترل دقیق داشته باشد. سیاست‌های تحریک و مداخله آمریکا در امور داخلی افغانستان و تشویق مداوم پاکستان به حمایت هر چه بیشتر از ضد انقلابیون افغان، مخصوصاً در شرایطی که جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی با حسن نیت تمام در صدد حل مسایل موجود از طریق

نامه کمیته مرکزی سازمان به

- پروردگوشیا ر دبیر کسل سازمان ملل متحد
- رابرت موگا به رییس جنبش غیر متعهدا
- رامش چاندرا رییس شورای جهانی صلح
- میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی
- فیدل کاسترو دبیر کل حزب کمونیست کوبا
- راجیو گاندی نخست وزیر هند
- حافظ ادریس جمهور سوریه
- شاذلی بن جدید رییس جمهور الجزایر

هشدار نسبت به خطر یک کشتار بزرگ

بر اساس گزارشات موثقی که از سراسر ایران دریافت شده است، رهبران جمهوری اسلامی در تدارک حمله گسترده وسیعی هستند. آنها در نظر دارند که در این حمله یک میلیون سمر را شرکت دهند. اکنون نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی در سراسر ایران جوانان را دستگیر و به جبهه اعزام می کنند. بر این تصمیم جدید دولت مدبران کارخانه‌ها و ادارات دولتی موظف شده اند که ۲۵ درصد از کارکنان خود را به جبهه اختصاص دهند. آنها موظف شده اند که مخالفین این تصمیم را از موسسات اخراج کنند. اکنون حتی جوانانی که مطابق قانون وظیفه عمومی هنوز مشمول خدمت نیروهای مسلح نشده‌اند، به جبهه جلب می شوند. وزارت امور و پرورش موظف شده است که ۵۰۰ هزار دانش آموز را روانه جبهه کند. هدف نظامی این اقدامات آماده کردن هزارگردان جدید برای شرکت در حمله‌ای است در صورتی که حمله جدید آغاز شود. با توجه به تدارک بی سابقه جمهوری اسلامی، دهها هزار انسان دیگر قتل عام و قربانی خواهند شد و شش اوضاع در منطقه خلیج فارس به مرحله خطرناکی خواهد رسید.

تاکنون بیش از ۴۰۰ هزار نفر در این جنگ قربانی شده‌اند. بیش از یک میلیون نفر از هموطنان مساجرح و یا اسیر و حدود سه میلیون نفر آواره شده‌اند و در شرایط انسانی زندگی می‌کنند. علاوه بر این ۵۱ شهرو ۳۰۹۱۰۰۰ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی و موسسه اقتصادی ایران، ویران یا تقریباً ویران شده‌اند. اقتصاد کشور کاملاً ملیتاریزه شده و صنایع کشور در جهت تولید نیازهای جنگ تغییر جهت یافته و بیش از ۵۰ درصد بودجه کشور به جنگ اختصاص یافته است. قطع فوری جنگ و حل اختلافات دو کشور از طریق مذاکره، خواست مشترک مردم ایران و عراق در جهت کاهش تشنج در منطقه خلیج فارس و به سود صلح جهانی است.

از جناب عالی تقاضا می‌کنیم در جهت جلوگیری از کشتار خونینی که در نتیجه حمله تازه جمهوری اسلامی به عراق صورت خواهد گرفت - تمام تلاش‌های ممکن را بعمل آورید. موفقیت اقدامات بستگیرانه شما از قربانی شدن دهها هزار نفر دیگر از مردم کشورهای ایران و عراق جلوگیری خواهد کرد.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دسیراول - فرخ نگهدار

۲۵ سپتامبر ۱۹۸۶

مختلف هستند، بیشتر و بیشتر فاش و رسوا می‌شود. در این میان رژیم خمینی که خود در بحسرت عمیق و همه‌جانبه‌ای دست و پا می‌زند تا تقویست نیروهای ضد انقلاب افغان و کمک‌های انسانی، مالی نظامی و تبلیغاتی به آنها در هماهنگی کامل سیاست امپریالیسم قرار دارد. رژیم خمینی نیز که بر غم منافع مردم مینمان در ادامه سیاست‌های ارتجاعی خود، علیه مردم و انقلاب افغانستان با فشاری می‌کند و روز بروز می‌آبوتر می‌شود. مردم شریف و زحمتکش افغان علیه رژیم تمام مصائب جنگ اعلام نشده، عزم خود را استوار کرده‌اند.

آنچه تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق راه طی شده با کار روپیکار خود به پایان نبرسد و در این راه از حمایت واقعی زحمتکش و نیروهای انقلابی و مترقی جهان، از جمله زحمتکشان ایران برخوردارند.

سازمان ما با رد دیگر مراتب همبستگی عمیق برادرانه و دنیپهای خود را با حزب دموکراتیک خلق مردم افغانستان اعلام می‌دارد و خود را همسرا و شریک کار روپیکار و موفقیت‌ها و آینده روشن افغانستان انقلابی می‌داند.

رژیم خمینی برای مقابله با فشارهای بیندیده افکار عمومی مردم ایران و جهان، برای مقابله با گسترش اعتراض به خاطر قطع شکنجه و کشتار و آزادی همه زندانیان سیاسی ایران، به سیاست عوامفریبانه ای روی آورده و هیاهوی تازه ای پیرامون "اصلاح زندانها" و "غفورزندانان" برپا انداخته است. هدف این مانورها گسترش افشارهای روبه افزایش، برده پوشی برجیات وحشیانه ای که در زندانها ناسادت و جدت ادامه دارد و مقابله با شعار بسیج گرزندانان سیاسی آزاد بیدار گردد" است. دقت در این مورد که چه کسانی آزاد چه کسانی در بند می مانند اهمیت ارتجاعی این مانور تازه رژیم را برملا می کند. رئیس سازمان زندانها در پاسخ به اعتراض خانواده های زندانیان سیاسی ادعا می کند: "ملک غفورزندانان را در گروگی تغییر یافته است" و اگر "قبلا ملاک غفوعت مکرر و گهها این بود که نسبت به اصلاح شدن خود بپریدن وی از تشکلات مربوطه علم حاصل شود" اکنون بنابینه فرمان خود خمینی در همین حد که رژیم مطمئن شده که "آزادی شان مضر نیست، کافی است و می تواند مشمول غفوشوند" (روزنامه ها - ۲۹ شهریور) می مضر نباشد در جمهوری اسلامی چهار چوبی بسیار رنگ دارد. از نظر رژیم خمینی کوچکترین فعالیت سیاسی غیر دولتی و کوچکترین مخالفت مردمی با رژیم به حال "جامعه اسلامی" مضر است این رژیم مخالفت و فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی را تحمل نمی کند. هیچ فردی سیاسی حقیقتی از آذانه در جمهوری عدل اسلامی را ندارد. برای اساس رژیم تنها کسانی را مشمول "عفو" می سازد که مطمئن باشد که با فعالیت انقلابی و سیاسی خدا خالی کرده اند. البته باید بهیچ است که رژیم در تشخیص خود دچار خطاهای فراوانی شود و بسیاری از زندانیان پس از آزادی با ردیکریه مبارزه انقلابی سیاسی روی می آورند. اما سیاست رژیم مبنی بر غفورزندانان این است که تنها زمانی که هنوز کوچکترین شکی نسبت به احتمال فعالیت زندانیان پس از آزادی وجود داشته باشد، نباید آزاد شوند. به همین خاطر انقلابیون که در

زندانها آزادی می خواهند، در زندانهای پر شمار جمهوری اسلامی در بند و زنجیر می گردند. می برند، به حبسهای سنگین محکوم می شوند و دست دهنه تیرباران می شوند و به همین خاطر هیاهوی پیرامون "غفورزندانان" تنها یک عوامفریبی و فریبکاری است. همزمان با هیاهوی عوامفریبانه پیرامون

"عفو زندانیان" عوامفریبی تازه رژیم

"عفو" زندانیان، موج سرکوب و دستگیری نیروهای انقلابی و ترور شکنجه و اعدامهای پایان ناپذیر شدت یافته است. طی ماههای اخیر رژیم طرحی تازه ای را بمنظور گسترش اختناق و سرکوب در سطح جامعه به اجرا گذاشته است. تنها در شهر تهران ۱۸ کمیته جدید و ۶ "گلوگاه امنیتی" برای فشردن گلوئی مردم ایجاد شده است. گشتهای سرکوبگر سبب و کمیته و ماموران مخفی رژیم برای دستگیری و شکنجه و ترورهای گسترده ای پهن کرده اند. یورش به سازمانهای انقلابی و متحمله سازمان مستبدانه است. به همین دلیل رژیم زندانیان را از زندانیان "بی خطر" خالی می کند تا به جای آنان میزبان تازه تری را به بند کشد. در پشت هیاهوی "اصلاح زندانها" شکنجه زندانیان سیاسی را بسا شدت و وحشیانه ای ادامه می دهند، موج اعدامها کماکان ادامه دارد. اخبار ترکان دهنده ای از اعدام ۵۰ زندانی سیاسی در شکنجه گاه اوین طی ماههای اخیر منتشر شده است. این اعدامها مخفیانه صورت می گیرد و خبرنگارکی آنها به خارج از زندان در ز می کند. بر این اعلام محافل بین المللی غذا میهای سال گذشته رژیم بیش از ۴۷ نفر بیهوده است شرایط زیستی و زندگی زندانیان سیاسی بطور وحشتناکی وخیم و نگران کننده است. اینها تنها گوشه ای از شرایط دهشتناک و غیر انسانی حاکم بر زندانهای سیاسی جمهوری اسلامی است که رژیم خمینی می گوید با ماسک انسان دوستانه "عفو" زندانیان" و "اصلاح زندانها" از چشم مردم پنهان

سازد. برجم این مانورهای عوامفریبانه بدست جانشین خمینی، آیت الله منتظری است. دست تبلیغاتی رژیم می گوید منتظری را بعنوان پش و پیمان مظلومان و مستم دیدگان در ذهن توده مردم و انوسود سازد، تاختم و اعتقاد، را که علیه رژیم در میان توده های مستمیده خلق باور می شود، راههای انحرافی کشاند.

مانورهای عوامفریبانه رژیم در جهت "عفو زندانیان" نتوانسته و نمی تواند مردم را فریب دهد. سرشت این رژیم با سرکوب و شکنجه و اعدام، بافته شده است. این رژیم تنها بر پایه گسترده ترور و اختناق و شکنجه و اعدام می تواند کما کما خود را حفظ کند. امروز در همین ماکترخانواد، است که مستقیم و یا غیر مستقیم شلاق و تازیانه خمینی را برگرداند عزیزان خویش حس نکرده باشد از این رومبارزه برای قطع شکنجه و اعدام آزاد همه زندانیان سیاسی بیش از پیش به شدت گسترده ترین توده های مردم تبدیل شده و مباد در حال آن گسترش می یابد. مبارزه خانواد زندانیان سیاسی که هر روز خصلت آشکار تر و توحه تری بخودی می گیرد، جنبه آشکار مشخص این مبارزه است که روز به روز با حمایت بیشتری از جانب مردم روبرو می شود. مانورهای اخیر گواهی آن است که رژیم نمی تواند در برابر مبارزه متحدانه خلق ایستادگی و مقاومت کند، گسترش این مبارزه همانگونه که دیوارهای زندانهای رژیم را فروریخته درهای سیاه آنها و شکنجه گاهها بی شمار جلادان را نیز به روی فرزندان انقلابی خواهد گشود. اکنون باید با ایستادگی همه جا نسبت جنایات ضد انسانی که در زندانها و شکنجه گاهها رژیم می گردد، با اقامت نام و مشخصات شکنجه گران و عوامل سرکوب در پیشگاه مردم، با افسد مشخصات کسانی که در دستگیری انقلابیون شرکت می کنند، با بر ملا شدن ماهیت سیاسی آنها و عوامد بیانه رژیم برای انحراف مبارزه، با حمایت مبارزه خانواده زندانیان سیاسی و کمک به تشک آنها و با تقویت همه جانبه سازماندهی مبارزه خادرد آزادی همه زندانیان سیاسی، روزها پیروزی و جشن آیدند - روزهایی که زندانیان سیاسی به آغوش مردم باز خواهند گشت - راه هر چه نزدیک تر کرد.

باز هم جیره بندی بنزین

رژیم مجدداً بنزین را جیره بندی کرد. مدت پیش از این نیز سوبسیدهای بنزین - بر اساس تاکسی ها، که توسط دولت پرداخت می شد - حذف گردید. رئیس هیات مدیره اتحادیه تاکسیران بنزین در ۲۷ شهریور اعلام داشت که با حذف سوبسیدهای بنزین، ورودیه تاکسی ها نیز به ۱۵ ریال افزایش یافته است.

جیره بندی بنزین و حذف سوبسیدهای آن مطابق معمول بارش نبودن ارزونیا زهای جنگی صورت گرفته است. هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۱۱ مه ماه در این مورد گفت: "مادر شرایط فعلی نمی توانیم ارزنده ایم به جای آن بنزین وار کشور کنیم تا عده ای آزادی خود (۱۴) به مصرف برسانند و اگر قرار باشد حرف آخرمان را در جنگ تحمیلی بنزیم، باید از همه لحاظ آماده دگی داشتیم."

به این ترتیب گوشه دیگری از "خیرات و برکات" جنگ شامل حال مردم شد. البته روشن است که سهمیه بندی شامل خودروهایی جنگی رژیم و انواع و اقسام ماشین های گشتی که در کوچه و خیابانها مانور می دهند نخواهد شد و تنها گریبان مردم عادی را خواهد گرفت. هنوز استی از اعلام این خبر ننگشته بود که فضای طویل اتومبیل ها در جلوی پمپ های بنزین تشکیل شد. کوپنی شدن بنزین به سبب بازاریاری و زدن بندهای جالان کوپن را که سرشان به آندهای درون رژیم وصل است، داغ کرده و از این طریق سودهای بسیاری از محل غارت مردم به جیب آنها سرازیر می کند. از جیره بندی بنزین بیوزگی کسانی لطیف می بینند که "سافکرشی" امرامعاش می کرده اند یا از این طریق کمکند. برای هزینه کمرشکن زندگی خود فراموشی باختند. جیره بندی بنزین که در چهار چوب سیاست اقتصاد رژیم مبنی بر اعمال حداکثر صرفه جویی به مردم صورت می گیرد، نتیجه اوضاع ورشکسته اقتصاد و هزینه های هنگفتی است که هر روز جنگ بدندان دارد. رژیم برای تامین این هزینه های سرسام آور و نجات از بحران، هر روز محدودیتهای تازه ای بر زندگی مردم اعمال می کند و از تامین بخش تازه ای از نیازهای ضروری جامعه سر باز می زند. برای جلوگیری از زندگی بدوی و طاقت فرسای که رژیم دارد به مردم تحمیل می کند، قبل از هر چیز باید جنگ را متوقف کرد.

راه اهداف مشترک و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

سازمان مادر چارچوب مبارزه خویش برای اتحاد با یوزبسیون ترقیخواه، از مذهب قبل جهت نزدیکی و اتحاد با حزب دموکرات کردستان ایران اقدامات و تلاش های معینی بخل آورده است که تا به کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران در مرداد سال ۶۴ از آن جمله است.

با دستور جردی تاکید کرد که در شرایط کنونی برای ایوزبسیون ترقیخواه هیچ وظیفه ای مبرم تر و فوری تر از اتحاد و تشکیل آلترنا تیو وجود ندارد. هرگونه کشیدگی و تاخیر در این وظیفه حیاتی است. راه برای تقویت احزاب و نیروهای ارتجاعی ضد رژیم هموار می کند، اختلاف نظرها را در زمان های ترقیخواه نهایتاً به هم می کشد و اتحاد آنان علیه رژیم خمینی شود، شک نیست که در سطح جنبش خلق، سازمان های ترقیخواه را از اختلافات بزرگ و کوچک ایدئولوژیک و سیاسی با یکدیگر هستند و این امر بسیار وظیفه ای است. با مسایل درون جنبش خلق نمی توان همانند مسایل متلاذرون جنبش طبقه کارگر و یا درون یک حزب برخورد کرد. هر یک از سازمان های خلقی و مترقی برنا هم و اما جایی دارند و البته بین آنها با دیدمبارزه ای پیگیر با سمت تعمیم خلعت مردمی و انقلابی جنبش چریا بدانشها شد و ضرورتاً چریا خواهد داشت. اما در عین حال درک آماج ها و نیاهای مشترک این نیروها، و تکیه بر این وجوه اشتراک - که بسیار عمیق و وسیع هستند - برای ایجاد اتحاد و آلترنا تیو دموکراتیک و انقلابی و برابری رژیم خمینی امری حیاتی است. بدون قرارداد در یک آلترنا تیو نتوانستند در برابر رژیم خمینی نمی توانیم نیروی انقلابی توده ها را آزاد و توده ها را متحد و موثر برای سرنگونی رژیم بسنجیم و بشورانیم. احاطا با اتحاد نیروهای انقلابی و ترقیخواه، آلترنا تیو لازم و حیاتی است. برای توده ها تا مین خواهد کرد. بی اعتنایی و ولایتی نسبت به این امر خطر تحت هر عنوان و بهای نهایی بازی با مبارزه خلق و با انقلاب است.

سازمان ما با اهمیت عظیمی که برای نزدیکی و اتحاد نیروهای ترقیخواه و مبارزات قیام است، آماده است و می گوید از همه امکانات و شیوه های ممکن برای هر گام نزدیک کردن نیروهای ترقیخواه به یکدیگر بهره گیری. ما حزب دموکرات کردستان ایران را با دعوت می کنیم که بر اساس نظرگاهها و آماج های مشترک دوسازمان، اقدامات هر چه مشخص تر و موثرتری را برای پیشبرد امر اتحاد در دستور قرار دهیم. ما با ردیکریه دعوت بلنوم کمیته مرکزی سازمان را مانور و تاکید قرار می دهیم و همه سازمانهای انقلابی و ترقیخواه را - همزمان با اقدام عملی، مشخص و واقع بینانه در راه اتحاد فرا می خوانیم.

حزب دموکرات کردستان ایران:

گام های مثبت در راه اتحاد

حزب دموکرات کردستان ایران در ارگان مرکزی خود "گوردستان" (شماره ۱۱۶) طی مقاله ای نظرگاهها و مواضع حزب را در رابطه با ضرورت متحد شدن تمامی نیروهای ملی و مترقی، در یک جبهه دموکراتیک ضد امپریالیستی، حول یک برنامه مشترک برشمرده و اعلام کرده است: "به اعتقاد ما تنها شرط لازم برای آنکه یک نیروی ملی و مترقی در داخل جبهه پذیرفته شود، علاوه بر پذیرش برنامه مشترک از جانب وی، استقلال سیاسی، مبارزه عملی در جهت سرنگونی ساختن رژیم جمهوری اسلامی و نفی یکبار نظام سلطنتی است."

حزب دموکرات کردستان ایران در این مقاله بر رهبریزان عمده کردن مسایل کما اهمیت و فرعی عدم ایجاد شرط های اضافی و برخورد های یکجانبه و خودمختاری که هیچکدام مانع جدی برای تشکیل جبهه می باشند، تاکید کرده است.

سازمان ما بیش از این مواضع و دیدگاه خود را در مورد تشکیل جبهه و برقراری اتحاد نیروهای مترقی، ضد امپریالیست و انقلابی برای سرنگونی رژیم خون آشام خمینی به جنبش ارائه کرده است. دمویت حزب دموکرات کردستان ایران در این زمینه نیز به طور عمده نامی از سازمانهای ملی و مترقی نبرده و مشخصات آنها را بیان نداشته است، با آنچه ما اعلام کرده ایم، انطباق دارد و ما آنرا گامی مهم و صولی در راه برقراری اتحاد و تشکیل جبهه نیروهای ایوزبسیون ترقیخواه و ایجاد آلترنا تیو دموکراتیک می دانیم و از آن استقبال می کنیم.

سازمان ما در بلنوم مهر ۶۳ و بلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ مواضع و روش سیاسی خود را نسبت به تکرار نیروها و سازمانهای سیاسی کشورهای مختلف داشته است. در این اسناد مواضع سازمان ما در قبال سازمان پیروان بنیانه ۱۶ آذر، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)، حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران اعتراف کردید و از همه این نیروها دعوت شد که بر اساس آماج های مشترک جبهه واحدی علیه رژیم خمینی تشکیل دهیم.

در مورد حزب دموکرات کردستان ایران اسناد بلنوم می گوید: "در شرایط کنونی حزب دموکرات کردستان ایران، نقش عمده ای در جنبش ملیسی و دموکراتیک مردم کردستان ایفا می کند. سازمان در روابط خود با حزب دموکرات کردستان از سیاست اتحاد دوماه روزه پیروی می کند. بر این پایه سازمان، حزب دموکرات را به اتحاد در جبهه واحد در

ما رکیستی - لنینیستی - عدم تاملین رهبری طبقه کارگر در جنبه، الزاماً به معنی "دنبال‌لروی" و "تفنی خط منی مستقل" است؟ چرا باید در تشکیل جبهه تا مین هژمونی پرولتاریا را پیش شرط گذاشت؟ در واقع دیدگاه ما اینست که گروهی از جامعه هدف که آنها مفهوم وحدت اراده نیروهای اجتماعی گوناگون در مرحله کنونی را که پیرامون برنامۀ اهداف مشخص قادر به شکل گیری است درک کنند، آنها از امر اتحاد، رهبری یا دنباله‌روی را می‌فهمند، یا می‌بایستی از ابتداء رهبری طبقه کارگر تا مین شده باشند یا اینکه - یا نمی‌بایست در جنبه شرکت کرد، یا سفیدسفید یا سیاه سیاه، بین سیاه و سفید از نظر این گروه‌ها رنگ‌های دیگری وجود ندارد! اگر رهبری طبقه کارگر تا مین نشد، طبقه کارگر باید بدون هرگونه اشتباهی وارد کارزار سرنوشته سازمان دشمنان تا دندان مسلح شود.

طبقاً کمیونیت‌ها می‌گویند با یکدیگر عمل را در امر اتحاد و تشکیل جبهه در دست بگیرند. و دیگر نیروها را حول برنامۀ خود گردانند. زمانی که طبقه کارگر از تشکّل و آگاهی برخوردار است، و بین طبقه کارگر و پرولتاریا همنگ آن بیوندهای عمیق وجود دارد، در آن صورت شرایط مساعدی برای تأمین هژمونی پرولتاری در جبهه وجود دارد. ولی موقتی که طبقه کارگر در چنین خصوصیاتی است، نمی‌بایست دست روی گذاشت. امر اتحاد و شرکت در جنبه در صورتی که بنحوی صورت گیرد، در خدمت ارتقا سطح تشکّل و آگاهی و رمزنگاری طبقه کارگر و جلب توده‌های غیر پرولتاریه‌سوی آهسته آهسته و دموکراتیک و سوسیالیستی است و به این ترتیب مستقیماً مبارزه‌ای در راه تا مین هژمونی پرولتاریا است. اگر به هژمونی با درک لنین بگیریم، جذب و سمت دادن انوریته پرولتاریا را انقلابی در میان زحمتکشان (و.ا.ل.ن.س. مجموعه آثار جلد ۳۹ - ص ۴۵۸) در این صورت یکی از راه‌های مؤثرتر در جذب و سمت دادن زحمتکشان، شرکت در جنبه و پیشبرد امر اتحادی طبقه‌ای است. زحمتکشان در روزه‌های مبارزه برحقانیت خط منی و شعارهای طبقه کارگر برحقانیت، بیگیری و فداکاری آن‌ها برده و انوریته آنرا پذیرا خواهند شد.

گروه‌های چپ با تهاوی ساختگی هم‌برحقا بقی و اتحاد با احزاب کمونیست بسته و پراکنده می‌باشند. این کمونیست‌ها از آن سودمندی‌ها بهره‌اند نظیر بطولان می‌کشند. اگر این گروه‌ها اتحاد با احزاب کمونیست را مطالعه می‌کنند هرگز به این تهاوی "بدیع" نمی‌رسند. تجربه کمینترن و احزاب کمونیست در دوره قبل از جنگ جهانی دوم و اتحاد با احزابی از آن است که آنان به اشکال و صور مختلف بدون اینکه تا مین هژمونی پرولتاری را پیش شرط قرار دهند و در اتحاد با دیگر نیروهای اجتماعی شده و به سود اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر از آن بهره‌گرفته‌اند. رهنمود کمینترن به حزب کمونیست چین جهت اتحاد با کومین تانگ در دهه‌های نمونه با رزاین امر است. در آن موقع کومین تانگ از نیروی قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بود ولی کمونیست‌ها می‌چین هنوز ضعیف بودند.

این گروه‌ها از شرکت در جنبه و اهمه‌دار توده‌ها و اهمه خود را بعنوان خطر دنباله‌روی مطرح می‌سازند. اگرچه در اتحاد با سایر نیروها همواره خطر راست وجود دارد. در هفتصد کنگره کمینترن بدرستی تأکید شده است: "هنگامی که راست گسترده تا کتیک جبهه واحد، خطر راست افزایش خواهد یافت (استاد کنگره هفتم کمینترن) ولی نباید در هر اس از چنین خطاها پیروی، اجتناب از اتحاد‌های ضروری نتیجه گرفت."

لنین می‌گفت: "تنها کسانی از اختلاف‌ها و اتحاد‌های موقت، ولو عناصر صریحاً غلطی می‌توانند که سرستند که خود به خویشتن اطمینان ندارند، هیچ حزب سیاسی بدون این اتحاد‌ها نخواهد توانست به موجودیت خود ادامه دهد" (چه باید کرد؟ جلد ۱ از سری دوازده جلدی - ص ۱۴۶). گروه‌های چپ با طرح "دنبال‌لروی" و "تفنی خط منی مستقل" و شروط کردن تشکیل جبهه به تا مین هژمونی پرولتاری، در عمل طبقه کارگر از اتحاد با سایر نیروهای محرومی‌کنند. چنین خطایی با منزوی ساختن نیروهای پیشاهنگ طبقه کارگر، به جای مسدود کردن مجاری نفوذ اندیشه‌های بورژوازی و خرده‌بورژوازی، زمینه هژمونی نیروهای غیر پرولتاری را در جنبه انقلابی خلق، درجا به تقویت می‌کند. به اعتقاد ما نباید با طرح خطر "دنبال‌لروی" از اتحاد‌های طبقه‌ای و سیاسی روی برگرداند. به ادباً آگاهی بر این امر، با اتحاد سیاست‌های درست و سفید و با تکیه بر برنامه‌های طبقه کارگر و راستی سیاست اتحاد دوما روزه به مقابله با خطرات منتج از لغزش‌ها برخاست و این اتحاد را در خدمت تا مین هژمونی طبقه کارگر در انقلاب ملی - دموکراتیک قرار داد.

ما معتقد نیستیم که در اتحاد با سایر نیروهای اجتماعی باید بدون قید و شرط عمل کرد. ولی تئوری‌های ساختگی که از جانب این گروه‌ها عرضه شده است در پی جز ریبی قید و شرط اتحاد‌های ضروری نیست. معیار ما در تعیین شروط در اتحاد کتیک اتحاد‌ها و سازش‌ها تابع این وظیفه است:

- ۱. آن کلام در آن است که بتواند این تاکتیک (منظور آن کتیک اتحاد‌ها و سازش‌ها است) را در جهت ترفیع و نه تنزل سطح عمومی آگاهی پرولتاری، روحیه انقلابی، و آگاهی پرولتاریا برای مبارزه و برای پیروزی بکار گرفت (و.ا.ل.ن.س. بیاماری کودکی "چپ‌گرای" در کمونیسم) با لطیع جبهه‌پایه برنامۀ مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می‌گیرد، تشکیل می‌شود. ما بر این باوریم که بیرون‌سازش‌ها جبهه‌پایه‌ها دگر کرده و در راه قبول آن از جانب سایر نیروها، مبارزه خواهیم کرد. تلاش ما این خواهد بود که به عنوان ماحیهه را تا سطح برنامۀ خود ارتقا ببخشیم. پس از تشکیل جبهه نیز از استقلال سازمانی، ایدئولوژیک - سیاسی سازمان و آزادی تبلیغ، سیاست‌ها و برنامۀ ما می‌ماند تا به آخر حراست نخواهیم کرد مبارزه در راه سوسیالیسم نیز لحظه‌ای متوقف نخواهد شد. ما بر این اعتقادیم که:
- هیچ کمونیستی... هرگز وقتی یک لحظه نباید مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا را در راه سوسیالیسم بر ضد مکرکات ترین و عمیق‌ترین بورژوازی و خرده‌بورژوازی از یاد ببرد. در این ساله چون و چسرا نیست. از اینجا نتیجه می‌شود که باید محتماً بدون چون و چرا حزبی جداگانه و مستقل و دارای جنبه‌های طبقه‌ای باشد. (و.ا.ل.ن.س. وودنا کتیک) سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک

همکاری و اتحاد نیروهای چپ و حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر

برخورد سکتاریستی گروه‌های چپ را در امر اتحاد با بطور برجسته می‌توان در همکاری و اتحاد عمل نیروهای چپ مشاهده کرد. همکاری و اشتراک مساعی نیروهای چپ در مبارزه علیه رژیم و ام‌اچ‌های مشترک و نیز با هدف دستیابی به وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر، مستلزم اشتراک سیاست‌های مسئولانه و پیش‌سرد مبارزه ایدئولوژیک با هدف زدودن انحرافات راست و چپ است. ولی در شرایط کنونی در بین این گروه‌ها حتی دوجریان هم نمی‌توان یافت که بسا

یکدیگر اتحاد عمل نسبتاً پایداری را پیش ببرند، آن‌ها به همدیگر و به سازمان و حزب خود، در ایران نه به چشم نیروی متحد، بلکه به مثابه خصم طبقه‌ای می‌نگرند. مبارزه ایدئولوژیک در بین این‌ها نه حربه پرولتاریا علیه اندیشه‌های غیر پرولتاری و نه از حرافات از صفوف پیروان سوسیالیسم علمی، بلکه وسیله طرد و نفی دیگر گروه‌هاست. آنها نه تنها در شان و غم یکدیگر شریک نیستند، بلکه متأسفانه حتی از تضعیف و از آن هم بدتر از ضرر خوردن دیگری هم خوشحال می‌شوند.

در این رابطه می‌توان به برخورد انواع نگرش‌ها را در اتحاد و در درجه بعدی به منضمین پیروانیه ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه - بارز جریانی است که موجودیت خود را در گرو نبودی دیگران می‌بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مباحظ ضربه زدن به دیگر نیروهای سیاسی می‌کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیسیم" چپ و چاق است. اقلیت نه تنها به سایر همکاران و اتحاد عمل نمی‌اندیشد، بلکه از موضع ماورای چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی‌کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را هم ندارد.

اقلیت با پیشبرد شیوه‌های ما را جریانی که به شدت تفرقه افکنانه، تصویری بنیاد منفی در ذهن نیروهای سیاسی بوجود آورده است، اقلیت به سبب و تجسم سکتاریسم و آوانتوریسم تبدیل شده است. راه کارگر نیز که مصلحت‌فرع رونق گرفته است، تصور آنرا در ادراک جنبش کمونیستی ایران با پیدایش وی تولید، تداوم و تجسم یافته است، هنوز به حکومت رسیده، کودگانۀ برای متلاشی کردن دیگران به بحثا موهبه ما در می‌کند. قلم بدستان را راه کارگر خطاب به پیروان به نیبه ۱۶ آذر می‌گوید: "کرایش بالنده‌ای که در طبقه توده‌ای وجود دارد، همانا رشد بحران و متلاشی شدن این جریان تا اپورتونیسیت است. ما این را دقیقاً در راستای منافع پرولتاریا و نه تنها فرقه خودمان از برای پی‌کنیم" (راه کارگر - شماره ۳ - ص ۲۶). سردمداران راه کارگر حزب توده ایران را "لاشه متعفن" و "حزب طاعونی" نامیده (راه کارگر - شماره ۲۳ - ص ۴۱) و در مورد سازمان مسامی گوید: "در واقع نیز اپورتونیسیم اکثریتی هزار بار خطرناکتر از اپورتونیسیم توده‌ای است. زیرا خون تازه" اپورتونیسیم پیرانه‌نر توده‌ای اقرار هم نموده و سنت فداپی را در خدمت منی اپورتونیسیتی حزب توده قرار داده است" (راه کارگر - شماره ۴ - ص ۱۱۶).

منضمین پیروانیه ۱۶ آذر، نیز بخشی از نیروهای چپ را کنسار گذاشته و به منظور مقابله با آنها گروه‌های دیگری را به همکاری دعوت می‌کنند. این گروه در رویای تشکیل با مباحظ "ثقل انقلابیون کمونیست" بسا راه کارگر و ایضا اقلیت معتقد است که: "اتحاد عمل انقلابیون کمونیست و حزب توده" هیچ خدمتی "به شکل گیری ثقل انقلابیون کمونیست و از نو او طرد فریمس و سکتاریسم... نمی‌کند." (نشریه فدایی - شماره ۱۳ - ص ۲) و برخورد این گروه با سازمان ما هم برخوردی ویرانگر است.

برخورد این گروه‌ها با هم‌همکاری و اتحاد عمل نشانه‌های برجسته انحراف سکتاریستی در تئوری و پراکتیک آنها است. وجه مشخصه دگر سکتاریسم برخورد منفی و مغالفت این گروه‌ها نسبت به مبارزه در راه وحدت پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر ایران است.

راه کارگر در سال‌های بعد از قیام در مرحله سیاسی ایران و افت و خیزهای آن حضور فعال نداشته و بدون تلاش برای بیوندی پراکتیک انقلابی توده‌ها بکارگزارشوریک مشغول بود. بعداً ضربات سال ۶۵ فعالیت راه کارگر را متوقف شد. راه کارگر در دوره جدید فعالیتش که از سال ۶۳ رسماً شروع شد، اعلام نموده که در گذشته "جدا از توده‌ها حرکت کرده است" و راه کارگر نیز در واقع توده یک سازمان مارکسیستی، بلکه سازمانی انقلابی و دموکراتیک بوده است که با دوزدن سازمان‌های هژمونی پرولتاریا خواستار توده‌ها را سازمان دهد" (کمیته خراج زکشور - ۱۵ نوامبر ۱۹۸۴).

معلوم نیست چنین جریانی که به قول خودش "جدا از توده" و "نیروی دموکرات انقلابی بوده چگونه در طی سه سال فعالیتش در پاریس به یکباره به تنها جریان مارکسیست - لنینیست ایران تبدیل شده است. روشن نیست که این برج عاج نشینی و خط بطلان کشیدن بر دیگر نیروها با کدام پیشوا نه‌و با کدام کارنامۀ در شان نشوری و پراکتیک همراه است. نویسندگان نشریه "فدایی" نیز تصور آنرا در زنده رسالت تشکیل حزب طبقه کارگر ایران برودش آنهاست. اقلیت نیز که جای خود دارد، از خود را بزرگترین سازمان چپ و محور جنبش کمونیستی ایران به حساب می‌آورد و به همان اندازه که با اشغالات متعدد تضعیف می‌شود، ادعایش بیشتر می‌شود.

شیوه برخورد با خرده‌بورژوازی

نگرش سکتاریستی گروه‌های چپ به امر اتحاد و مناسبات میان سازمان‌های سیاسی محدود نیست، بلکه در اتحاد‌های طبقه‌ای و مناسبات اقلیت و اقلیتات خلق و در از برای آن از نظر وظیفه‌ای و نیز برولتاری در انقلاب فدائیلیستی و دموکراتیک و در تعیین سیاست و شیوه برخورد با آنها نیز امتداد می‌یابد. در این مورد بطور نمونه به طرز تفنی راه کارگر از خرده‌بورژوازی اشاره می‌کنیم.

راه کارگر با استنادنا بجا به نقل قول‌های از مارکس و لنین در مورد خرده‌بورژوازی بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص و خلعت دوران کنونی و مرحله انقلاب ما به یک سلسله نتایج مجرد و تئوری - تاریخی میرسد که اگر بخواهد بسر پایانه آن در منضمین خود بورژوازی خرده‌بورژوازی قضاوت بشود با لخره معلوم نخواهد شد که آیا در انقلاب دموکراتیک ما... کجاست. آیا جزو نیروهای محرکه انقلاب به حساب می‌آید یا خیر؟ سرنجام ما با تمام تفاسیر متحد پرولتاریا هست یا نه؟

گرچه راه کارگر در برخی نشریات، از جمله در بیانیه وحدت (نشریه راه کارگر - شماره ۴) خرده‌بورژوازی را بعنوان متحد پرولتاریا در مرحله فعلی انقلاب به حساب آورده است، ولی در پاسخ به انتقادات پیروان به نیبه ۱۶ آذر در نشریه شوریک شماره ۳ از همان جمع بندی‌های دفاع کرده است که در کتاب "مرزهای ارتجاع و مرزهای هویت ما" درج شده است.

راه کارگر می‌گوید: "از نظر ما رکیسم - لنینیسم هیچ طبقه‌ای قشری صرفاً به لحاظ محرومیت و تهیدستی، انقلابی محسوب نمی‌شود، بلکه به دلیل اتحاد با پرولتاریا می‌تواند انقلابی محسوب شود تا آنجا که به این اتحاد می‌گراید و می‌تواند انقلابی محسوب شود" (مرزهای ارتجاع و مرزهای هویت ما - ص ۸) و "از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم هیچ نیرویی ذاتاً انقلابی نیست بلکه تنها در صورتی که به موضع پرولتاریا بگراید انقلابی است. یعنی هیچ نیرویی ذاتاً متحد پرولتاریا نیست بلکه هر نیرویی می‌تواند به خدمت پرولتاریا برخیزد. بنا بر این هر نیرویی بطور مشروط انقلابی است. یعنی بشرط گرویدن به مواضع پرولتاریا" (همان منبع)



درهم می ریزد. موضع نیرویی می توانند در مرحله انقلاب دموکراتیک مترنسی با شدولی در مرحله انقلاب سوسیالیستی ارتجاعی. لنین در برخورد با چنین مدعیانی می گوید:

"یکی از اعترافات که بر ضد شعار "دیکتا توری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا" و دهقانان " می شود، این است که این دیکتا توری لایحه اش "اراده واحد" است. در حالی که پرولتاریا نمی تواند نسبتاً خرد به یوزواری اراده واحد داشته باشد. این اعتراضی بی پایه است زیرا بنای آن بر تفسیر مجرد و "متافیزیکی" مفهوم "اراده واحد" گذارده شده است. اراده ممکن است در موردی واحد باشد و در مورد دیگر واحد نباشد. فقدان وحدت در مسایل سوسیالیسم و در مبارزه برای سوسیالیسم مانع وحدت اراده در مسایل دموکراتیک و مبارزه در راه جمهوری نمی گردد. فراموش کردن این موضوع به معنای فراموش کردن فرقی منطقی و تاریخی میان انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی است. فراموش کردن این موضوع یعنی فراموش نمودن جنبه همگانی انقلاب دموکراتیک. زیرا وقتی این انقلاب "همگانی" بود در این صورت در همان حدودی که این انقلاب حوایج و تقاضاهای همگانی را برآورده می نماید در همان حدود هم در آن وحدت اراده وجود دارد. در خارج از حدود دموکراتیک است. وحدت اراده بین پرولتاریا و یوزواری دهقانی جای سخنی هم نمی تواند باشد. مبارزه طبقاتی بین آنها امری است ناگزیر، ولی در زمینه جمهوری دموکراتیک این مبارزه عمیق ترین و وسیع ترین مبارزه مردم در راه سوسیالیسم خواهد بود." (و.ا. لنین - دوکتا کتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک. تاکیدات از ماست)

لنین با خرد به یوزواری و امر اتحاد و "وحدت اراده" با آن برخورد مشخص می کند. علیرغم ذهن گرای راه کارگر جهت عمده مبارزه خرد به یوزواری علیه سرمایه بزرگ و امپریالیسم، مترقی و همسویا منافع طبقه کارگر است و لایحه آن به سوی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک دقیقاً حاشا همین استراتژی است. راه کارگر تنها زمانی خرد به یوزواری را مترقی می داند که جنبه خرد به یوزواری خود را از دست بدهد و از موضع پرولتاریا به مبارزه بروی بیاید. در حاله، دهقانان بصراحت می گویند:

"دهقانان می توانستند برادراکامل ایاسی انقلاب دموکراتیک باشند. بدون اینکه این موضوع آنها را سوسیالیست بکند و بدون اینکه جنبه خرد به یوزواری خود را از دست بدهند." (دوکتا کتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)

این شیوه برخورد سکتاریستی، پرولتاریای ایران را از متحد خود یعنی دهقانان خرد به یوزواری شهری در مرحله کنونی انقلاب محروم می کند. این دیدگاه طبقه کارگر منزوی می سازد و راه را بر خلاف سیاست طراحان آن، برای بدست گرفتن رهبری انقلاب توسط ابراشا دموکراتیک بازمی کند. این نگرش صرف نظر از شعارهای آتشین، در برابر مبارزاتی رهبری پرولتاریا را دوستی تقسیم دیگر نیروها می کند چرا که اتحاد کارگران و دهقانان را به هم می آمیزد. پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک است.

دیدگاه های سکتاریستی تنها به موضوعات ذکر شده منتهی نمی شود. این انحراف در عرصه همزبانی پرولتاریا در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، در کم بها دادن یا نفی شعارهای تاکتیکی و روز، مبارزات صنفی و سندیکا بی و در زمینه انترناسیونالیسم پرولتری و غیره نیز مشاهده می شود که در جای خود باید به آن پرداخت.



در گزارش هیات سیاسی به پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان در فروردین ماه بدرستی تاکید گردید:

سازمان ما برای وحدت جنبش کمونیستی در وحدت بخشیدن به طبقه کارگر و جنبش خلق اهمیت و نقش درجه اول قابل است. اتحاد طبقه کارگر و مبارزان راه و آرمان آن، در قیام و اردن شرایط ذهنی ضروری برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران شرط اساسی است. بدون مبارزه در راه وحدت پیشا هنگ طبقه کارگر در یک سازمان واحد، صحبت کردن از مبارزه در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک و ملی ایران بی معنا است. و "در سورا این وحدت هر چند منافع متعددی وجود دارد، ولی سازمان مصمم است که بر موانع غلبه کند و خواهی هرگز (نشریه کار - شماره ۲۹).
نشریه کار در راستای تأمین این هدف تلاش خواهد کرد که مبارزه ایدئولوژیک پیگیری و سالم و زنده ای را علیه انحرافات راست و چپ" در جنبش چپ ایران پیش ببرد. بویژه در این راستا است که زدودن انحراف سکتاریسم و دکما تیسیم از جنبش چپ و دموکراتیک کشور به یک وظیفه مبرم و جدی مبدل شده است. همگاری و اتحاد عمل می تواند در اینجا فضای سالم برای پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک و به ثمر رسیدن آن مشروط واقع شود. تفرقه و پراکنندگی به تشدید خصومت و به زرفرفتن نیروها کمک می کند و راه استقبال از اتحادهای اصولی و تمحیح دیدگاه های انحرافی را نیز می بندد.

قانون کار باید با مشارکت کارگران تدوین شود
کارگران پیشرو آگاه!

لايهه ارتجاعی قانون کار را افشا کنید. خواه با تدوین یک قانون کار مترقی را برای کارگران توضیح دهید. مبارزه کارگران را برای تدوین یک قانون کار مترقی بر مبنای شرایط زیر، سازمان دهید:

- ۱ - قانون کار را باید به مشارکت کارگران تدوین شود.
- ۲ - قانون کار را باید بر اساس اعلامیه جهانی حقوق اتحادیه های کارگری و مفاد و نامه های سازمان بین المللی کار نوشته شود.
- ۳ - قانون کار را باید شامل تمامی مزد و حقوق بگیران شاغل در واحدهای دولتی، متاعنی و خصوصی کشور باشد.
- ۴ - قانون کار را باید به ضامن اجرائی داشته باشد و کلیه متخلفین از آن باید تعقیب و مجازات شوند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

راه کارگر باید انقلاب دموکراتیک را به خرد به یوزواری طریق که توده دهقان را بخرد ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت حکومت مطلقه را جبراً منکوب و تا پیگیری یوزواری را فلج سازد. پرولتاریا باید انقلاب سوسیالیستی را به انجام رساند به این طریق که توده عناصر نیمه پرولتاریای اهالی را بخرد ملحق کند تا بتواند نیروی مقاومت یوزواری را درهم شکند و تا پیگیری دهقانان و خرد به یوزواری را فلج سازد" (دوکتا کتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)

در حالی که راه کارگر موضع اقسار و طبقات مختلف از جمله خرد به یوزواری را مشخص و روشن نمی کند و این از سرگردگی و ابهام و اغتشاشی برمی خیزد که بر افکار راه کارگر در باره مرحله و خلعت انقلاب ایران سایه انداخته است. راه کارگر همین نمی کند که جامعه ما نیاز منتهی به تحولی است. دموکراتیک با لایحه و تقاضای "منطقی و تاریخی" بین آنها وجود دارد. راه کارگر یوزواری را بخرد، مرحله و خلعت انقلاب ایران را نامعلوم و مبهم می سازد و بدون روشن و گویا ارائه نمی دهد. راه کارگر از یک سو با هزار قسم و آیه می گوید که انقلاب ایران از دیدگاه ما سوسیالیستی نیست، ولی از سوی دیگر با این نحوه نگرش به خرد به یوزواری و طرح "دولت سرمایه شکن" عملاً به انقلاب سوسیالیستی می رسد.

راه کارگر می گوید: "خرد به یوزواری می تواند برای حفظ وضع موجود خویش مبارزه کند و البته مبارزه هم می کند چرا که وضعیت موجود خرد به یوزواری را دشمنی یوزواری مورد نیاز می قرار می گیرد (راه کارگر تئوریک - شماره ۳ - ص ۲۵۰). اما راه کارگر از این حکم درست استنتاج زیر - می کند و می نویسد: "مبارزه خرد به یوزواری از موضع منافع مستقل و آنسی خویش مبارزه را تسبیح است." (راه کارگر تئوریک - شماره ۴ - صفحه ۲۵۰)

بدینگونه راه کارگر دوگانگی خرد به یوزواری را در مبارزه با طرف منافع خویش کاملاً نفی می کند در عمل خود را درین بست می گذارد. استنتاج راه کارگر در شرایط مشخص کنونی جامعه و انقلاب ما درست است. این دیدگاه به انحراف طبقه کارگر در جنبش انقلابی خلق انجام میدهد و پیروزی سوسیالیسم را به تعویق می اندازد.

نشریه کار در شماره ۳۲، در مقاله مرحله انقلاب و نیروهای محرک انقلاب، خرد به یوزواری را در شمار متحدین طبقه کارگر محسوب داشته، بدرستی می نویسد:

"و طبقه پیشا هنگ طبقه کارگر ایران این است که با نقوذ ایدئولوژیک - سیاسی یوزواری در میان این اقسار و طبقات با قاطعیت مبارزه کند و با انتقاد از تئوریدها و پیشا واریها پیشان آنها را به سوی اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی خود جلب کند. این اقسار و طبقات، فاقد استقلال هستند و سسته باینکه بکدام سمت رو آورند - به سوی یوزواری یا به سوی طبقه کارگر، به سوی آینده یا به سوی گذشته - نقش و عملکرد متفاد، ارتجاعی یا انقلابی دموکراتیک ایفا می نمایند. تجربه تاریخی از جمله تجربه انقلابی بهمین می آموزد که به خلعت دوگانها این اقسار و طبقات با بد توجه و وقت اکید مبدول گردد، لیکن ما نمی توانیم و نباید از آنجا طریسیم که آنها بمثابة توده، آماج بهره کشی و غارت و دشمنی لگن کمبخته امپریالیسم و طبقات ارتجاعی کشورند."

راه کارگر در برخورد با خرد به یوزواری همان شیوه ای را در پیش می گیرد که در تحلیل بیدیده ها دیگر مشاهده می شود. یعنی برخورد سکتاریستی، دکما تیک و تئوری - تاریخی، راه کارگر پیشا واری را به زمین بند نمی کند و تنها در عالم تجربه تاسیری می کند. او به جای اینکه به تحلیل مشخصی از اتحادهای عینی جامعه ما بپردازد، یک سلسله احکام کلی را بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص، ردیف کرده و جغای با سخ مسایل می نشاند. این شیوه برخورد در دردتا و من منجر به آن می شود که مبدل به مبارزه خرد به یوزواری در مرحله کنونی است.

در کشور ما ارتجاعی تلقی شود. در حالی که مبارزه خرد به یوزواری علیه امپریالیسم، علیه استبداد، علیه کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان همسویا با مبارزه پرولتاریا در مرحله کنونی است. منافع عینی پرولتاریا در مرحله انقلاب دموکراتیک با منافع عینی دهقانان و خرد به یوزواری شهری انطباق دارد و به همین جهت خرد به یوزواری در "مسایل دموکراتیک" دارای وحدت اراده با طبقه کارگر است و خرد به یوزواری در شمار متحدین پرولتاریا در انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک محسوب می گردد. از سوی دیگر این حاوی اهمیت اساسی است که خلعت دوگانگی خرد به یوزواری مورد تاکید قرار گیرد. به علاوه کمیونیت همسویا با بیدهمسویا و از جمله سرمایه همین مرحله انقلاب لحظه ای هم در مبارزه در راه سوسیالیسم با زنا متیستند.

کمیونیت ها:

"همواره کارگران را متضایخ خواهد نمود، همواره جنبه موقتی و مشروط این همبستگی را توضیح خواهند داد، همواره مجاز بودن طبقاتی پرولتاریا را که فردا ممکن است درجهبه مخالف متفقین امروزی خود قرار گیرد خا طر نشان خواهند کرد" (و.ا. لنین - وظایف سوسیالیست دموکراتیکهای روس)

راه کارگر معیار مترقی و ارتجاعی بودن خرد به یوزواری را در اشتغال با عدم اشتغال آن با پرولتاریا می داند. با این دیدگاه تمام نیروها، سازمانها و جنبشهای خرد به یوزواری، که در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاعی با حزب کمیونیت در اشتغال قرار دارند، او از جمله آن دسته از حکومت های تاریخ در آنها نما بیندگان خرد به یوزواری تسلط دارند، صرف نظر از سطح رشد جامعه و آرایش نیروهای طبقاتی آن می شوند. راه کارگر با این شیوه برخورد عملاً تقاضای "منطقی و تاریخی انقلاب دموکراتیک سوسیالیستی" را

حکایت "تغییر الگوی مصرف"!

"تغییر الگوی مصرف"؛ دست اندرکاران رژیم مدتهاست این شعار را در بوق و کفرناکرده اند و مدام در گوش مردم می دمند؛ چنانکه گوییم درمان همه دردها و گرفتاریهای مردم در آن نهفته است. اما مردم طی ۷ سال حاکمیت این رژیم در غلغلای ربه تجربه دریاخته اند که پشت هر شعار حکومتی دوز و کلک تازه ای خوابیده است و هر قدر تبلیغات حول مسئله ای بیشتر شود، بهمان اندازه هم رژیم قصد کلاهبرداری و شیادی بزرگتری دارد. تا رسیخ مردم ایران از دوز و کلک آخوندها و شیادی آنها داستانی در سینه دارد و اکنون باید داستانی این شیادی را شنید.

در پی برده شعار "تغییر الگوی مصرف" چه خوابی برای مردم دیده اند؟
اول از همه باید گفت که تنظیم الگوی مصرف با هدف قطع وابستگی به کالاهای امپریالیستی، سازماندهی براساس تائین ضروری ترین نیازهای مردم، مرتبط ساختن مصرف مردم با تولید داخلی و ارتقاء مداوم سطح رفاه مردم متناسب با سطح رشد اقتصادی کشور از وظایف بسیار مهمی است که در دنیا ای معاصر پیش پای هر انقلابی قرار میگیرد. تا تائین روزافزون نیازهای مردم و ارتقاء مداوم سطح رفاه و زحماتشان، در همه حال آسماج عمده در اجرای چنین اقداماتی از سوی دولتهای انقلابی است. عالی ترین نمودار سازماندهی طبق برنامه و هدفمند مصرف در کشور... های سرمایه ایستی اجرا میشود. برخلاف آن، در کشورهای سرمایه داری همه چیز تنها براساس سود بیشتر برای سرمایه داران قرار دارد.

و اما "تغییر الگوی مصرف" درجه - سوری اسلامی - که ظاهرا بمنظور دستیابی به "خسود کفایی و استقلال اقتصادی" طرح میشود - اسم مستعاری است برای کاهش هر چه بیشتر مصرف نموده ها، ریختن بوجه هر چه بیشتر به دامن جنگ و انباشته ساختن هر چه بیشتر جیب - سرمایه داران. این "الگو" را دست اندرکاران رژیم مدتهاست در هر فرصتی تبلیغ میکنند و آنرا عملا به پیش می برند. حال اثبات این ادعا: نخست وزیر رژیم در دوم اردیبهشت گفت: "برای آنکه بوجه بیشتری برای تائین هزینه جنگ اختصاصی دهیم لازم است که هم دولت و هم مصرف کنندگان کمربندهای خود را سفت ببندند." و برای "تیرهم" کردن این مسئله دوروز بعد مجدداً تاکید کرد: "طبیعی است اگر بخواهیم منابع بیشتری در اختیار جنگ بگذاریم باید از مصرف سکا هم... و دولت باید دنبال صرفه جویی در همه بخشهای اقتصادی باشد. کمی بعد آیت الله منتظری یک قدم دیگر هم جلو گذاشت و گفت باید "یک وقت شرایط کشور طوری شد که باید همه روزه بگوریم". (روزنامه ها و اعتبار) رژیم مدتهاست دست بکار شده و در صدد است تا شرایط اجباری برای "روزه گرفتن" مردم را فراهم کند و از "تکمیل برستی" زیاد آنان که انقلاب را دچار خطر میکند جلوگیری کند! رژیم اسم این روزه گرفتن اجباری را گذاشته است "برنامه نوین اقتصادی". زنجانی وزیر برنامه و بودجه در کیهان ۲۷ خرداد رئیس این "برنامه نوین" را شرح داد. وی با اکتفاء به رسالات فقهای نیازهای ضروری مردم را سه دو

دسته تقسیم کرد: "نیازهای اولیه" و "نیازهای ثانویه". وی گفت که دولت از این پس تنها برای "نیازهای اولیه" ارز تخصصی خواهد داد و برای صرفه جویی بیشتر "نیازهای ثانویه" را از لیست وظایف خود حذف خواهد کرد.

حالا باید دید "نیازهای اولیه" کدام است و "نیازهای ثانویه" کدام؟ در این زمینه البته بحث هنوز در بین علما و دست اندرکاران رژیم ادامه دارد. اما در یک چیز هیچ تردیدی نیست: جنگ اولیه ترین و ضروری ترین نیاز جامعه اسلامی و انسان های حاکم بر کشور است و تا من نیازهای جنگی در راس همه امور قرار دارد. در مورد نیازهای مشخص مردم نیز هر چند بیکبار رهنمودهایی داده میشود. آیت الله منتظری معتقد است که اگر آب جرایب باید" و اکتفا به ملت تذکر بدهند، با باجستان نه یخچال و نه فریزر داشتند و فلاسک هم نداشتند. این تشریفات را نداشتند (روزنامه ها ۳ تیر) بنا بر این معلوم میشود که یخچال و فلاسک جزو تشریفات است. ممکن است کسی بپوشد: "پس و بمنظور اخلاص و تضعیف رژیم" بپوشد: "پس مردم گوشت خورشان را کجا نگهداری کنند. اما نخست وزیر "دولت خدمتگزار" قبلا جواب اینگونه سوالهای ا فتاکنا را داده است: "ملتسی که در حال جنگ است پول نمی دهد گوشت بخورد! برای صرفه جویی بیشتر و "تغییر الگوی مصرف" رئیس جمهور هم پیشینداتی به مردم داده: "غذا را به اندازه طبخ کنید، غذا را متنوع طبخ نکنند... این یک نیاز حقیقی نیست که ما خیال کنیم که سر سفره حتما باید دوچوریا چند جور غذا باشد." (روزنامه اعتبار) مطابق این توصیه دلسوزانه و برای اینکه صرفه جویی حاصل شود، کارگران و زحمتکشان عزیز بهتر است کمی فداکاری کنند، سفره های رنگینشان را کمی کوچکتر کنند. چند جور غذا طبخ نکنند، هر بار به تناول یک نوع خوراک بسنده کنند، اینقدر زیاد شکم پرستی نکنند و این کلام امام راهیگانه فراموش نکنند که: "ما برای شکم انقلاب نکرديم؛ البته بر کسی پوشیده نیست که آقای خامنه ای خود مظهر کامل چنین صرفه جویی است. منتهی از آنجا که اهل "دو دنیا بی" نیست شرم و حیای زیادی دارد (در این زمینه هیچ گونه صرفه جویی جایز نیست)؛ از طرف دیگر حق جویی خود چیزی نمی گوید، ولی از بخت بد گروهی از نیازمندان که مجلس بی احتیاطی کرده و شرح یکی از سفره های محقر ایشان در سفر سال گذشته به مشهد را در رسانه ها مرمزانه ای که شوره عالم شد، فاش کردند. و اما چند کلمه ای از آن مختصر: "غذاهای رنگین، چند نوع برنج با چند رقم پخت و چند قسم کباب و کباب های با رنگ شده با زعفران". در پایان مجلس هم آقای خامنه ای برای "رزمندگان اسلام و بیروزی مستضعفان" و شاید هم "تغییر الگوی مصرف" دعا کرده اند.

مشئولان جمهوری اسلامی آنقدر بفکر مستضعفان هستند که حتی نوع آن "یک نوع غذا" را هم که باید سفره بگذارند برایشان معلوم کرده اند. موسویانی نما یبند مجلس معتقد است این غذا "نان وتره" باشد، بهتر است: "مردم را عادت بدهیم به نان وتره خوردن. هیچکس هم ضرر نمی بیند" (کیهان ۳۰ بهمن) از تره که بگذریم بنظر رئیس جمهور نان هم حتما لازم نیست "تازه" باشد. زیرا "نان تازه جز" نیازهای حقیقی نیست. نان بیات را هم می خورد، نان خشک شده را هم می خورد" (روزنامه اعتبار)

بدین ترتیب با عمل کردن به این توصیه ها و پیشنهادهای "تغییر الگوی مصرف" عملی میشود و انسانها "متحول" میگرددند. میتوان نمونه های از اینگونه انسانها را که رژیم میخواهد بعنوان الگو تحویل جامعه بدهد و به رخ جهانیان بکشد از هم اکنون پیش چشم تصور کرد: انسانهای گدا و قانع. انسانهای که با نان خشک می سازد، گوشت نمی خورد، یخچال و فلاسک هم ندارد. حتی حاضر است برای پیشبرد نیازهای جنگی و "اسلام عزیز" روزه هم بگیرد و سرگرسنه زمین بگذارد. اگر از کار بیگارش کردند ویا سرپناهی برای خود و خانواده اش نیافت هیچ اشکالی ندارد، "مصرف را" کمتر میکنند و در عوض به جان "امام عزیز" دعا میکنند و بالاخره و مهمتر از همه اینکه به همه اینها راضی است و هر وقت هم که رژیم خواست سرش را پایین می اندازد و بی هیچ اما و آگری به جبهه می رود تا برای یک چنین زندگی که الحمدالله همیگردد و گسری در آن وجود ندارد بجنکد، و بکشد و کشته شود!!

تکته بسیار مهم این که این "الگو" تنها برای "مستضعفان" پیش بینی شده است. اگر آنها می بینند در کنار زندگی "راحتی" که رژیم برای آنها فراهم می آورد؟! کجا ها سرفیلک میکند جیبها از پول انباشته میشوند، شکم هافریده می شوند، هیچ نگرانی به خود راه ندهند و خدای نکرده فکر بدی به سرشان نزنند. املا کسی از هدفهای مهم "تغییر الگوی مصرف" همین است که "استوانه های انقلاب" بتوانند کجاها سازند، جیبهایشان را پر کنند و شکم هاشان را فریبده سازند. در عوض همه "مستضعفان" عزیز - بخصوص آنها که به جبهه میروند - راهی بهشت خواهند شد. دنیا دار آزمایشی است و "عدالت اسلامی" نمی گذارد حق هیچکس ضایع شود! هدف دیگر هم این است که رژیم بتواند به جنگ ادامه دهد و همین "الگو" را در عراق و اگر زوش رسیدهمه "بلاد اسلام" و باز هم اگر زوش رسید در همه دنیا پیاده کند!!

و اما چگونه میتوان چنین الگویی را در جامعه ایران پیاده کرد؟ راه حل را رئیس جمهور بدست داده است: با گرسنگی دادن به مردم. زیرا "شما وقتی گرسنه باشید نان خشک را هم آنچنان بالذت می خورید که برای شما ممکن است از نان تازه لذیذتر بیاید" (روزنامه اعتبار). اکنون دیگر ماهیت واقعی شعار و هدف رژیم در جهت "تغییر الگوی مصرف" روشن شده است: باید با گرسنگی دادن به مردم دافعه آنها را تغییر داد و آنها را بخوردن نان خشک (البته خورده بالذت) عادت داد. رژیم هم اکنون - چون مدتهاست این برنامه را آغاز کرده است. حداقل ۸ میلیون نفر از مردم میهن ما که در آمدی کمتر از ۴۰۰ تومان در ماه دارند، توانسته اند "الگوی مصرف" را مطابق میل رژیم تغییر بدهند و سایر مردم هم (البته بجز یک اقلیت کوچک اصلاح نشدنی یعنی سرمایه داران و روحانیون و حکومتیان) با گسرتش فقر و گرسنگی و بیگاری بتدریج دارند. "الگوی مصرف" خود را تغییر میدهند و "متحول" میشوند.

در الگوی رژیم تنها یک "نیاز" از لیست نیازهای اولیه و ثانویه از قلم افتاده است. آنهم مهمترین، اولیه ترین و حقیقی ترین "نیاز" مردم: نیاز به سرنگون ساختن این رژیم است. تیغکار

رژیم خمینی و سرمایه داران حامی آن بیستای نیرزا "زیبایی" ها و محصولات "معنوی" بسیاری همراه بوده است. رژیم سرمایه داران - ملایان به کمک جنگا ختناق و سرکوب بی سابقه ای را بر میهن مآحمیل کرده است. سرمایه داران و روحانیون و دولتیان به کمک این جنگ و از راه غارت لجام گسیخته مردم سوده ای افسانه ای به جیب زده اند. کاجها ساخته اند و بهشتی را که در آسمانها بساخته زحمتکشان و عده ای دهنده، برای خود بر روی زمین ساخته اند. خیرات و مواهب جنگ برای رژیم بسیار بوده است. اما آنچه که به سود جمهوری اسلامی است شمش برای مردم تنها در درج است. منافع مردم ایران و حکومت خمینی درست در مقابل یکدیگر قرار دارد. بنابراین رژیم هر قدر هم که در کار خود چیزی دست با بند، باز با کمک هیچ معجزه ای نمی توانند این واقعیت را از چشم مردم پنهان سازند. از همین روست که هر چه رژیم بیشتر فریاد جنگ برمی دهد، خروش صلح خلق نیز بیشتر می شود. این واقعیتی است که چندی پیش امام جنتیگاران بر زبان را ندوا یکن در آستانه سالگرد جنگ رفسنجانی زبان به اعتراف آن می گشاید: "آدمه جنگ" "آسان نیست. همه حامی گویند صلح صلح کنید، در زبیا بوه هم همه می گویند صلح و مسام می گویم نه. خلق ایران این نه" را در زمین پرخوش زنده باد صلح، مرگ بر خمینی "خاموش خواهد ساخت"

ایران و عراق کشته شده اند. صدها هزار نفر معلول و اسیر گشته اند و ۲ میلیون نفر از رهوطنان ما از خانه و کاشانه خود آواره شده اند. تنها تا پایان پنجمین سال جنگ، و ۵۱ شهر ۳۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰۰ احد مسکونی و اقتصادی ویران شده اند. ۶۰۰۰ میلیارد ریال هزینه مستقیم جنگ بوده است. رژیم از هر خا شوا ده ۵ نفری بطور متوسط ۷۵۰۰۰۰ ریال اخذ کرده است. خسارات اقتصادی ویران جنگ تنها تا مهر ماه سال گذشته بالغ بر ۲۴۷۳ میلیارد تومان (به ازای هر خانواده ۵ نفری، ۳۰۰۰۰۰ تومان) گشته است. این رقم برابر با بیش از ۱۶ سال درآمد نفتی در زمانی که قیمتها در بالاترین سطح خود قرار داشته است. برای جبران این خسارات غلیظ است اقتصادی که هر روز و هر روز بطور سرسام آوری بر آن افزوده می شود، نه تنها نسل حاضر بلکه نسلهای آینده مردم ایران نیز با پداتوان بدهند. بسیاری از خسارات جنگ جبران نا پذیرند. جنگ به ویرانی اقتصاد و تولیدات، گسرتش از آسای بیگساری فقر، گرانای سرسام آور، کمبود کالاهای و دهها دهها بلای آشکار و پنهانی انجامیده است. ویرانی ها، دردها و مصائب ناشی از ۶ سال جنگ، پاییان نا پذیر و غیر قابل محاسبه است.

برایین ویرانی غرقه در خون و آتش و اشک است که رفسنجانی از "زیبایی های جنگ" مظلوم می گوید. اگر جنگ برای مردم ایران زخمشون و زشتی و پلیدی شمر دیگری نداشته است، بسرای

فاتیسم هیلری...
بقیه از صفحه ۱۲
واقعا هم سمرق و نمونه بهتر از آلمان هیتلری و زوان جنگ طلب آن روزگار برای جمهوری اسلامی نمی توان یافت. منزه های جنگ افروزان جمهوری اسلامی را با کدام مغزهای "جز" مغزهای پلیسند قاشیستهای هیتلری می توان مقایسه کرد؟
رفسنجانی که موعبی می داند اینگونه افکار قاشیستی نمی تواند جنگ را در میان مردم مشروعیت بدهد، برای اینکه بتواند جنگ طلبی رژیم را موجه جلوه دهد، کوشید در کنار بر سر مردن خیرات و مواهب "جنگ" این جنگ طلبی و شیانی را "حق دفاع" قلمداد سازد. او گفت: "عوام و افراد ظاهرا بین ممکن است بگویند ایران می خواهد جنگ و ادامه دهد. در حالی که ما داریم دفاع می کنیم" و "خواست ما این است که انقلاب ما را رها کنند و در گیسری نیاشد تا انقلاب به طبیعت خودش عمل کند". رفسنجانی با اورونه جلوه دادن ماهیت جنگ و هیاهو بیارامون "حق دفاع" بدنبال دلیل تراشی برای آدا موم جنگ می گردد. اما واقعیت این است که جنگ در نظر رژیم خمینی موهبتی است الهی و نه یک وظیفه دفاعی. رژیم می گوید که اینگونه جنگ را می ستایند، از "خیرات" آن سخن می گوید، آنرا عا مسلل بشیرت و استحکام جامعه و "دستا و دپزری" خود می داند... برای "دفاع" نمی جنگد. مظلوم - نمایی در مورد حق دفاع تنها یک نیرنگ است. طی ۶ سال جنگ بیش از ۴۰۰ هزار نفر از مردم

ما را نمی توان به زانو درآورد! گزارشی از زندان

آیندگان سرگذشت زندانیان زندانهای جمهوری اسلامی را بمانند یکی از شومترین و دردناک ترین جلوه های حکومت ملایان جنایتکار، بخاطر خواهند آورد. آنها در عین حال سرگذشت سبیل های درخشان قهرمانی و مقاومت در برابر جلادان خمینی را برای هم تعریف خواهند کرد. این قهرمانان با نشان دادن استقامتی بی نظیر در برابر بردگی و بی ادبانه در زیر شکنجه های حیوانی آنان تسلیم نشوند، با یاری می کنند و زندان را به یکی از دژهای مقاومت خلق ما در برابر رژیم سفک خمینی بسط می سازند. فدائیان خلق در صفوف مقدم این نبرد، سعی بزرگ بر عهده دارند.

گزارشی که از زندان شهید برای ما رسیده، گوشه ای از این حماسه مقاومت و مبارزه را بازگو می کند.

بازجویی

کسی را که دستگیر میشود، به واحداطلاعات سپاه می برند که مرکز بازجویی در مشهد است. در ابتدا او را زیر شکنجه بدترین شکنجه ها می کنند و قرار ارتباطات و تکنیک های می خواهند. فشار در نخستین روزهای دستگیری، فوق العاده است؛ زیرا بازجویی دانند که با گذشت زمان، بسیاری از اطلاعات زنده زندانی می شود، اما پس از این دوره با زهم بازجویی آدامه دارد. آدامه کار را شکنجه گران خمینی دوره "تخلیه اطلاعاتی" نام نهاده اند.

شکنجه گران از انواع وسایل برای درهم شکستن انقلابی دستگیر شده استفاده می کنند. پس از بازجویی مقدمه ای که شامل مشخصات فرد است، وقتی که به اصطلاح خودشان "با آنها راه نمی آید" روانه اتاق تعزیری می کنند. تعزیر همانا ترجمه فقا هت "شکنجه است. تعزیر با چشم بسته و دستهای دستبند زده انجام می شود. کابل زدن به کف پا، رایج ترین شیوه شکنجه آنهاست. البته از شیوه های "بازی فوتبال"، آویزان کردن، دستبند قبانی، کلاچیر و سایر "ابزارات" هم توسط برادران در این مراسم استفاده می شود. در تمامی این مراحل باید نکشید - ترین فحش ها، توهین ها، و گاه باخس سرودهای انقلابی و آریتم آبی نواختن شلی در جریان است. ساواک خمینی تلاش جدی دارد که در بدو ورود به زندان، فرد را در فضایی قرار دهد که دچار ناامیدی شود. از اینرو چنان سیمای واژگونده ای از زندان نشان می دهد که گویی همه بریده اند و هیچکس از یاری مقاومت در برابر آنها نیست. در حالی که ایمن تنویر کا ملا خنکی و برای درهم شکستن روحیه زندانی است. مثلا ممکن است فرد را به سلول سبیل بفرستند که شما "توابین" در آن هستند و در اتاق بازجویی همراه با کسانی بازجویی کنند که ضعف نشان داده اند. حتی ممکن است در مواردی بازجویی توسط "توابین" انجام شود.

استفاده از زبلوف امری کا ملا رایج در بازجویی هاست. ممکن است فرد را با کسی که سابقا آشنا بوده، روبرو کنند و بگویند که همه چیز را در راه آن قرار کرده است. ممکن است اطلاعات پراکنده ای را که قبلا جمع آوری کرده اند، مثلا عکسی که از تظاهرات یا در دوره تعقیب و مراقبت گرفته اند، را نگاه و اعلام کنند که ما همه چیز را می دانیم و فقط می خواهیم از زبان خودت بشنوم. اما واقعیت آن است که اگر آنها همه چیز را می دانستند، دیگر احتیاجی به بازجویی نبود. در بسیاری موارد رفاقتا نوشته اند اما مقومت با زور و آوار کنند که آرام آرام شما می اطلاعات خود را در جریان بازجویی رو کنید و آنان را از اطلاعات سوخته مطلع سازد.

یکی دیگر از شیوه های متداول شکنجه، انفرادی طویل المدت است. به این معنا که متهم را برای مدتی طولانی در سلولی رها می کنند تا به اصطلاح آنها "سرخل" بیاید. مبارزین برای آنکدامین دوره تنهایی آنها را از پای دریا و دریا، برای از بسط شتاب خود بر تن مریزی می کنند. به موقع از خواب برمی خیزند، چند نوبت در روز ورزش می کنند، سلول را مرتب و تمیزی می کنند، به یادوری زبان رچی و علوم می که قبلا فرا گرفته اند می پردازند و به خبرگیری و برقراری ارتباط اقدام می کنند. با بدوشیا ر بود که ساواک خمینی گفها از "توابی" که ظاهرا خود را انقلابی معرفی می کند، بهمان سبب هم سلول با همسایه استفاده می کند تا فرد مقاوم را با داریه حرف زدن نماید. این اصل طلایی را هیچگاه زندانیان نباید فراموش کنند که خارج از چارچوب اطلاعات پلیس، حتی به دوست هم نباید اطلاعاتی فاشی داد.

جدای مواردی که بر شمریم رفتار شکنجیانان زندگی روزمره در این مرحله نیز فشار جدی بسسه

مبارزین است. غذا کم می دهند، برای پانسمان زخمها یا تسکین بیمار آن امکانا پزشکی در مانگاه بسیار کم است، وسایل نظافت نیست و با فاصله های زیاد به حمام می برند و برای هرنوبت بردن بسسه توالت مفضلا آزاری کنند.

برخی از دستگیرندگان به خطا گمان می کنند که نماز خواندن در وضع آنها تا شرمشیت دارد. حتی اگر فردی بهنگام بازجویی تظار کنند که قسردی معمولی است می توانند تا تعداد دکشیری از مردم نماز خواندند.

برای تمامی کسانی که این مرحله را پشت سر گذارده اند، روشن است که این دوران علی رغم دشواریهای سهمگینش گذراست. آنرا می بیند و شوار را اکثر انقلابیونی که در چنگال خمینی گرفتار می آید سربلند و پیروز مند از سر می گذارند.

تکمیل پرونده، بازپرسی و دادگاه

دربایان بازجویی از متهم ضمانت می گیرند که اگر اطلاعاتش خلاف واقع یا کم باشد، واحداطلاعات سپاه حق دارد اقدامات لازم (یعنی بازجویی، شکنجه مجدد و تضامی تجدید محاکمه) را به عمل می آورد. پس از آن متهم همراه همسایه پرونده اش را می "دادسرای انقلاب اسلامی" می شود. بازجویا معمولاً اتهام مندرج در پرونده را چنان بسط و وتسترش می دهند که بر آسان متهم به حسب هر چه بیشتر محکوم شود. زیرا خوب می دانند که حکام شرع "جبی" حکم می دهند. دادبیاران دادسرا اغلب افراد ای کم سواد و حتی بی سواد او کثرا کم سن و سالند. گاهی اوقات رفتار و حرکاتشان چنان مضک است که گویی چیزی با ندر جلد آنها فرو رفته و چنان سوالا ت سبسی در مورد مسایل ساده پرونده می کنند که گویی از نعمت عقل به کلی بری هستند. دادبیارا اگر نکته مبهمی در پرونده نیابد، کم با زداشت موست را ما در ممتها پرونده منتقل می کند. پرونده به سه دادگاه فرستاده می شود، در دادگاه که شرح بشرط آنکه سرکف یا شد در آخر وقت اداری تصمیم به مخاکمه و بعضا محاکمه جمعی میگیرد. اولی سبب پرونده را ورق میزند و گاهی هم چیزی می پرسد. کا غنی را بر می کشند و می رزند. حکم ما در رسیده است. نوبت تقریبی است. موارد فراوانی وجود داشته که متهم به محض اعلام نام خود فی الفور حکم دریافت کرده است. احکام ما دره قابل سبب تعدیل و برگشت نیست. فرجام خواهی هم معنایی ندارد. تنها اگر حکم اعدام باشد، برای تأیید به بی دادگاه قم فرستاده می شود.

زندان و کیل آباد

تعدادی بین هزار تا هزار و دویست نفر در زندان مشهد هستند. زندان شامل ۴ بند جداگانه ۴۰ سلول انفرادی، یک سالن اجتماعات، سالن ملاقات و بخش اداری است. اداره زندان در دست دادسرای انقلاب اسلامی است. مسئولین آن حزب اللهی و بسیجی های هستند که سابقا معمار، بنا، بازاری یا از تیره بربرها در مشهد اطراف آن بوده اند. نام مستعار همه آنها "اسدالله" است و به لحاظ اداری به عضویت پلیس قضا می درآمده اند.

زندانیان

از نظر رژیم، در میان زندانیان ۳ خط وجود دارد:

الف. بازجویی: تمامی کسانی که بر مواضع سازمانی خود استوار ایستاده اند و مخالفت خود را با رژیم نشان داده اند، در این بخش جای می گیرند. عنا صرشتا س این خط، اغلب در سلول های انفرادی یا بند نظیم نگهداری می شوند. در برخی موارد توابین برای ایجا درگیری و برخورد، جاسوسی و آزار به میان آنها فرستاده می شوند.

ب. خط زندگی: این اصطلاح را زندانیان به کسانی می گویند که نسبت به کار سیاسی بی اعتنا شده اند. ضمن اینکه جمهوری اسلامی را قبول ندارند، هیچ ایده سیاسی دیگری را هم نمی پذیرند و می گویند که با بدمثل مردم عادی زندگی کرد و کاری به کار دیگران نداشت. آنها منتظرند که محکومیشان با این با بدو آزا شوند. مسئولین زندان معتقدند که عده ای از نیروهای شناخته شده انقلابی، خود را در پشت این خط پنهان کرده اند و برای کشف این افراد به هر کاری دست می زنند.

ج. توابین: اینها مجموعه ای متناقض از انسانهای هستند که زیر فشارهای حیوانی رژیم درهم شکسته و فروریخته اند و بعضا به منقلب پسیدی نیز در غلغله اند. گروه زیادی از آنها کسانی هستند که تحمل زندان را ندارند و به اصطلاح بریده اند در نتیجه برای عفو، خود را تواب نشان می دهند. اکثریت این دسته پس از آزادی به دنبال زندگیشان می روند. دسته دیگر کسانی هستند که به شرف خود را صرف بجا آوردن نمازهای ترک شده، نماز سب، ادعیه و اوراد و مطالعه کتب فقه می کنند. اینها سعی دارند که در همین چارچوب تواب باشند، تنها

تعداد اندکی زتوابین با تمام وجود در اختیار رژیمند و روح جسم خود را به شیطان فروخته اند. از این موجودات مسخ شده که به حیوانات ضد بشر تبدیل شده اند برای شکنجه، بازجویی، تعقیب و مراقبت، جاسوسی و امور "ارتادی" استفاده می شود.

زندان زنان

حدود ۲۵۰ نفر از زندانیان زنان وکیل آباد زنان هستند که حدود ۴۰٪ از آنها پدر، برادر یا همسرشان هم زندانی است. بسیاری از آنها به سختی شکنجه شده اند، صدمات روحی جدی دیده اند و گاه به سه بیماریهایی دارند. مبتلا گردیده اند. تعداد دشمن در مرحله بازجویی مورد استفاده او با نشان قرار گرفته اند که با نام "اسدالله" حق هرگونه تعرض به حریم انسانی را داشته اند. نمونه های وجود دارد که با ساداران با وحشیگری خارج تصور، به زندانیان زن در حضور برزبان بازداشتی تخاصم کرده اند. مسئولان رژیم، ناقص العقلی خود را به زنان منتسب می کنند و معتقدند که عسناد آنها با جمهوری اسلامی بیشتر از سرک عقلی واحساس است تا منطق. چهل کودک شیرخواره تا ۴ ساله هم در این بند هستند که مادرانشان آنها را در زندان به دنیا آورده اند. اکثر این بچه ها دارای روحیاتی نامتعادل و غیر طبیعی هستند. خرید کردن اشیا، حمله ناگهانی به اطرافیان، خود آزاری و دگر - آزاری، نمونه های از رشد غیر طبیعی آنها در محیط غیر طبیعی است. امکانات برای تغذیه و بهداشت این غنچه های شوکت در زندانهای خمینی فوق العاده محدود است.

ادامه شکنجه در زندان

رژیم برای زیر فشار گذاشتن زندانیان، با این هدف از مواضع انقلابی خود دست بردارند. آنها را بمباران سیاسی - ایدئولوژیک می کند. زندانیان ۲ ساعت در روز مجبورند در کلاسهای شرکت کنند که توسط توابین اداره می شود. موضوعاتی مثل "مسئله اقتصاد و فلسفه اسلامی، مبانی مواضع کورجیهای سیاسی، و مباحثی در دربار رژیم در آنها "موزش" داده می شود. کلاسهای دیگری هم از طریق ویدئو برگزار می شود که سران و ایدئولوگ های جمهوری اسلامی در آن سخنرانی می کنند. کلاسهای حضوری هم هست که اجباری است و مدرسین آن از حوزه علمیه مشهد و محن های اسلامی دانشگاه هستند. غیر از اینها با زهم هسته های مطالعاتی اجباری است که توسط توابین اداره می شود و توسط مسئول "موزش" زندان کنترل می گردد. از تمامی این موارد هر چند وقت یک بار امتحان می گیرند و مسابا بقه آموزشی برگزار می کنند. در مراسم و مناسک مذهبی و مناسبت های مورد توجه جمهوری اسلامی می فعالیت های مسوق بر نامه توابین در جریان است. تمام این فشارها برای آن است که اولاً زندانی فرمت اندیشیدن نداشته باشد، ثانیاً رفته رفته ششوی مغز می شود.

طریقه دیگر فشار، گزارش دهی مداوم "آنتن" هاست. معمولاً در هر اتاق ۲ نفر تواب حضور دارند که یکی از آنها مسئول گزارش تمامی حرکات افراد زندانی است و نفر دیگر اولی را کنترل می کند. آنها موظفند که اطلاعات زندانیان را در مورد آنها تکمیل کنند. ولی گاهی اوقات در جاسوسی چنان زیاده روی می کنند که صدای مسئولین هم در می آید. آنچه از ذهن علیل آنها بیرون می آید، گاه از زور غم انگیزی سرب می کشد می زند. مثلا گزارش کرده اند که فلانی به دفعات زیاد به توالت می رود لذا می خواهد "خطی" را انا عه دهد. آن دیگری که سنگی را در غذا پیدا کرده، هدفش انا عه "خط" مقابله با رژیم بوده است. مورد زاری ای تجدید محاکمات انتقال به انفرادی و حتی اعدام زندانی بد دنبال این گزارش ها صورت گرفته است.

وضع و حشاک بهداشت، درمان و تغذیه در زندان فشار ممتزاید را بر زندانیان وارد می آورد. بسیاری از زندانیان به بیماریهایی جدی عصبی گرفتارند. این بیماریهایی اکثریاً در دوره بازجویی پدیدار شده و به دلیل از هم پاشیدن زندگی و تضامی افراد خا نواده، بوجود آمده است. دلشخ عصبی حالات روانی وحشی تقاضای دار و در گذر همه گسان مسئولین، نوعی "خط" در رژیم است. امراض پوستی بدلیل محدودیت استحمام و دروسایل بهداشتی ندرتی جدی تابع است. با این وجود تلاش زندانیان برای نظافت و حفظ بهداشت با امکانات حداقل به گوتای مضک و لوجوا نه، "خط" عنا دبا جمهوری اسلامی تلقی می شود. کیفیت غذا فوق العاده پایین و بشکاران هم کم است. اغلب اوقات انواع و اقسام حرکات جانوران را هم در آن می توان کشف کرد. شبها با سب در اتاق خوابی که دو برادر بزرگترین در آن زندانی گنجا خورده اند.

نا گفته نگذاریم که مسئولین زندان هر چند وقت یکبار برای ایجا در عیب و وحشت به تعزیر گروهی از زندانیان به بهانه های مختلف می پردازند. پشتوانه فکری فشارها بی راکه به زندانی وارد بقیه در صفحه ۱۰

درباره تهیه و ارسال گزارش، خبر و اطلاعات

و عناصرو موثر و محلی آن را شناخت تا با اتخاذ تدابیر ضروری قادرانند در دامنه های مختلفی که دشمن در سر راه فعالیت انقلابیون میگذرد مضمون نماند. هرگز ارشگر و خبرنگار فعال ما با ارسال گزارش خود در در زمین فوق می تواند آگاهی دستگاه رهبری سازمان را غنی سازد. باید متذکر شد که رعایت برخی نکات و رفق برخی نواقص در مورد شکل و محتسوا ی گزارشات - هر چند کم اهمیت بنظر رسد - کاملاً ضروری است و رعایت این نکات مستقیماً در چگونگی استفاده از آنها و نتیجه کار را تاثیر میگذارد و عدم رعایت آنها در برخی موارد خبر را کاملاً بیاهمیت می کند. برخی نکات که باید در نظر گرفته شود بشرح زیر است:

منبع گزارش

یکی از رایج ترین نقایب گزارشات ارسال شده، بیکی مشخص بودن منبع گزارش است. این مسئله روی چگونگی استفاده از گزارش تاثیر مستقیم دارد. مثلاً گزارش بدست ما میرسد، رویداد واقع و یا موضوع مورد گزارش از حساسیت و اهمیت جدی برخوردار است لیکن منبع آن گزارش مشخص نیست و بهیچ طریقی نمی توان از او درباره گزارش مربوط تحقیق کرد، بهیچ وجه نمی توان به او بیضا می رساند. در نتیجه ارزش و اعتبار گزارش، علیرغم اهمیت و حساسیت موضوع آن فوق العاده پایین می آید و در بسیاری مواقع بی ثمر می شود. هرگز ارش باید با مشخصات و بلائح معینی که توسط گزارشگر تعیین و بطور مستمر بکار گرفته می شود همراه باشد. رعایت این مورد برای همه گزارش دهندگان اعم از آنهاست که هیچ رابطه سازمانی ندارند و آنها نیکه دقیقاً در رابطه مستمسار سازمانی قرار دارند بدون استثناء ضروری است. بدین ترتیب اگر مرمان گیری، ارسال پیام، ارائه رهنمود ضروری و غیره از طریق ارگانهای سازمانی با سهولت و سرعت بیشتر و با کمترین خطر عملی میگردد. ضرورت است در اینجا تاکید کنیم که آندسته از گزارش دهندگانی که با سازمان رابطه ندارند - بگونه ششکه بطرف مقصدی با حفظ و رعایت دقیق مسایل امنیتی، اطلاعاتی (مانند کد و غیره) از خود به سازمان بدهند تا بتوان با آنها تماس برقرار کرد -

تاریخ گزارش

برخی از گزارشات فاقد تاریخ تنظیم گزارش است. در برخی دیگر، تاریخ وقوع رویدادها مشخص میماند و یا در مواردی مشخص نیست کدام تاریخ مربوط به این یا آن است. رفقاً باید تاریخها را به تفکیک قید کنند. البته ممکن است هر دو تاریخ یکی باشند ولی در هر صورت قید آن ها ضروری است.

تداوم گزارش

عدم پیگیری و تداوم کار گزارش دهی یکی از نواقص جدی گزارشگر است. گاهی مشاهده میشود که فاصله دو گزارش را به ماهها میرسد. پیگیری در امور گزارشگر برای تمرینش آگاهی و تجربه سازمان نسبت به امور سیاسی و اجتماعی و غیره اهمیت جدی دارد. تداوم کار موجب شناخت بهتر از نواقص و نارساییها و پیگیری منطقی و صحیح تر و روندها و رویدادها میگردد.

صحت و سقم گزارش

هرگز ارشگر باید میزان درستی گزارش خود را قید کند، باید تلاش خود برای تشخیص صحت و میزان موثوق بودن گزارش را منعکس نماید و نوع رابطه گزارشگر و موضوع مورد گزارش را ذکر کند. آیا این رابطه مستقیم است یا غیر مستقیم؟ گزارشگر باید چندواسطه به موضوع گزارش دست یافته است و ...

تعیین نوع استفاده از گزارش

در هر گزارش، گزارشگر باید نحوه، نوع، شکل

با تلاش و فداکاری همه جانبه کارها، اعضا و هواداران سازمان، اسناد، گزارشات و اطلاعات مختلفی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... کشور در اختیار رهبری سازمان قرار میگیرد. علیرغم اختناق موجود و شرایط کنترل شدید تبلیغی و عملی میزان و حجم اطلاعات و گزارشات افزوده میشود. این گزارشها کیفیت و کمیت کار را نشان می دهد. در مقابل با دشمن افزایش می دهد و ما را در امر تبلیغ سیاسی و انتشاری همه جانبه جنایات و سیاهکاریهای رژیم جمهوری اسلامی یاری میرساند.

در زمینه چگونگی تهیه گزارشات سیاسی، اجتماعی اطلاعاتی و غیره گرچه پیشرفت های جدی بعمل آمده و گزارشات دقیق تر و متنوع تر شده است اما هنوز کمی دو سه سار و نواقص متعددی بویژه در امر تهیه و جمع آوری اخبار و انتخاب نوع و کیفیت و اهمیت و درجه و ثوق آنها وجود دارد. با بررسی و شناخت ضعف های موجود و رفع آنها می توان با یک کیفیت کار گزارشگر را بیشتر از پیش ارتقا داد. در این راستا کلیه گزارشگران چه اعضاء و چه رفقای هوادار و همزمان دوستان سازمان باید مواظب تر بر اراکین مورد توجه قرار دهند:

۱- در شرایط با تنگنا و سختی حاکم بر کشور ارسال اخبار و اطلاعات بدستگاه رهبری سازمان از اهمیت اساسی برخوردار است. بسیاری از رویدادهای سیاسی و اجتماعی در مطبوعات رژیم منعکس نمی شوند. اخبار مربوط به اعتراضات، مبارزات محدود و یا گسترده کارگران، کارمندان دانش آموزان و معلمان و دیگر اقشار مردم نیاز سوی رژیم کمترین می شوند و با بصورت مسخ شده، به اختصار و آمیخته به دروغ و تحریف انتشار می یابند. رژیم نه تنها هیچ اطلاع رسمی و موثق از اخبار مربوط به مبارزات و مقاومت های دهقانان در برابر بزرگ مالکان و ارگان های سرکوبگر رژیم، درباره زندان و جنایات فاشیستی علیه زندانیان سیاسی و اعدای مخفی و شکنجه های وحشیانه انقلابیون، از مبارزات زنان آزاده و فدایان جنگ و کشتار گروهی جوانان در جبهه ها و غیره منتشر نمی کند، بلکه بر عکس دستگاه اطلاعاتی و تبلیغاتی رژیم تمام امکان را در دسترس دارد و دروغ و تحریف حقایق، زواید های مردم را از کسب اطلاع و آگاهی درست محروم می سازند. آگاهی بیشتر و گسترده تر از جنبه های رویدادهای اعم از کوچک و بزرگ، کم دامنه یا گسترده، جزئی یا کلی در مجموعه خود به دستگاه رهبری سازمان کمک میکند که با هوشتاری و واقع بینی بیشتری تحولات و دگرگونیهای درونی جامعه را بررسی و دنبال کند و در زمینه فعالیت تبلیغی و سازمانی نتواند، سیاست سازمان را با واقعیت بیشتری با واقعیت منطبق سازد.

بازتاب این رویدادها که در پیوند با مشکلات و خواسته های مردم قرار دارند، در ارگانهای تبلیغاتی سازمان، به افشار رژیم ارتجاع کمک میکند، آگاهی سیاسی و اجتماعی توده ها را ارتقاء میدهد و اعتماد آنان را به کمونیست ها و سازمان ما افزایش میدهد. هر عضو و هوادار سازمان باید خود را یک خبرنگار و گزارشگر در گامی بدانند که همواره با ارسال اخبار سیاسی و اجتماعی به یاری ارگانهای مرکزی سازمان می تابد.

۲- برای رهبری سازمان نسه تهیه و دریافت اخبار و گزارشات مختلف سیاسی و اجتماعی اهمیت جدی دارد. بلکه دریافت اطلاعات دقیق و متنوع از تمامی سازمانهای حکومتی و همدیگر و مهره های مهم و جاسوسان آن در سطوح مختلف، از اهمیت و حساسیت بسیاری برخوردار است.

برای مقابله با ارگان های سرکوبگر رژیم بویژه وزارت اطلاعات، سپاه و کمیته ها باید از تفصیل و انفعالات درونی آن آگاه بود. هر چه این آگاهی کاملتر و دقیقتر باشد، تحریک سازمان با قدرت بیشتری آن در مقابل با یورش های جنایتکارانه رژیم و نجات جان کارها و اعضاء سازمان افزایش می یابد. لذا باید شیوه های عمل و سبک کار، امکانات و اشکال فعالیت ارگانهای پلیسی رژیم و عوامل

ما را نشانی توان ... بقیه از صفحه ۹ می کنند، محمد کیلانی در سخنرانی برای ما چنین توضیح داد: «این نظر احکام اسلامی و حدود شرع، در حال حاضر باید تعدد اخلاقی کمی از اسلام را بجا می بودید و در مورد بقیه حداد می باید اجرا می شد. اگر هم تا به حال زنده مانده اید دیدن آن سید که حرفها را طر عطفت اسلامی است».

مقاومت کنیم

علیرغم همه فشارها و شرایط غیر انسانی زندان، زندانیان در برابر اردو خیمان مقاومت می کنند و سلاح عمده آنها در مقابل رژیم، اراده محکم آنهاست. زندگی در زندان زندگی جمعی است. در هر اتاقی که به طور نوبتی یک نفر مسئول انتخاب می شود که وظیفه خرید، تعیین کارگزاران، برای نظافت اتاق

و شرایط استفاده از گزارش خود را با توجه به میزان صحت گزارش، ضرورت اشکال تمام یا بخشی از آن، حفظ موقعیت منبع گزارش و غیره دقیقاً قید کند. در استفاده عملی و تبلیغی گزارش یا مخفی نگه داشتن آن و غیره نظر گزارشگر مبناست. لذا باید با دقت به این مسئله توجه داشت.

مشخصات کامل موضوع گزارش

در بسیاری از گزارشات اساسی و مشخصات برخی ساختمان های مورد استفاده ساواک رژیم و خانه های امن، محل های ناشناخته، موسسات و انفرادی کارگران در دور رژیم که مشهورند و یا حتی شهرت چندانی ندارند و یا تنها در محدوده محلی شناخته شده اند بطور ناقص و نامکمل نوشته میشوند. مثلاً تنها به نام فامیلی فلان مرتجع، یا "فرمانده سپاه" و "معرض حکومتی" و نظائر آنها اکتفا میشود. باید توجه کرد که چنین اشکالاتی در گزارش وجود نداشته باشد. در مقابل با توجه به اینکه گزارشات با وسایل کم اطمینان و ضربه پذیر ارسال میشوند باید کاملاً مشخص بود که نام مشخصات و هویت انقلابیون و کسانی که از منافع مردم دفاع میکنند نوشته شود.

تعیین نوع و کانال ارسال گزارش

هرگز ارشگر باید تفاوت گزارشات سیاسی را با گزارشات اطلاعاتی بدستی تشخیص دهد و آنها را از یکدیگر تفکیک کند. روشن است که گزارش های اطلاعاتی از طریق وسایل کاملاً مطمئن باید ارسال شوند. اما گزارشهای سیاسی و اجتماعی را می توان بطرق ساده تر ارسال نمود و در ضمن جاست که باید دقیق و هوشتاری بود تا راه هرگونه ضربه احتمالی رژیم بسته شود. فی المثل در گزارش از یک حرکت اعتراضی کارگران در فلان کارخانه مشخص، گزارشگر باید آنگاه گزارشی از یک واقعه اجتماعی علنی ارسال میکند تقریباً تمام فعل و انفعالات درونی حرکت کارگران را با بر شمردن گزارشات سیاسی و تمایلات سازمانی فعالین اعتصاب و غیره منعکس میکند. تنظیم چنین گزارشی فوق العاده خطرناک است. رعایت مسایل امنیتی در تنظیم گزارشات نباید بیرون ارگانهای رژیم نظیر ساواک، سپاه، کابینه، ارتش و غیره نیز فوق العاده جدی و حساس است. بهر حال در تهیه هر گزارشی از کم اهمیت ترین تا بسیار اهمیت ترین آن، گزارشگر موظف است هوشتاری و دقت کافی بکاربرد و تمامی ضوابط و مقررات امنیتی را مویب و رعایت کند.

تفکیک اخبار و اطلاعات و اهمیت دادن به هر اطلاع کوچک

تفکیک و شناخت موضوعات مورد گزارش، از لحاظ کیفیت و جایگاه آنها و تشخیص و تشریح مسایل کلیدی هر موضوع مورد گزارش، یکی از مسایل بسیار اهمیت در تهیه و ارسال گزارش است. ولاتخصیص این نکته است که این یا آن اطلاع از موسسات حکومتی و افراد کارگزار رژیم و غیره آیا می تواند برای رهبری سازمان سودمند باشد یا نه بسیار مهم است. هم اینک بسیاری از رفقاً اطلاعات بسیار ارزشمند حاکم و کارگزاران آن دارند که بدلیل عدم تشخیص نقش آن ها در تکمیل کردن مجموعه اطلاعات متمرکز رهبری سازمان، نزد خود نگه داشته اند. در این مورد نمونه ها و موارد متعددی وجود دارند.

باید بطور اصولی و بویژه در مورد مسایل اطلاعاتی و شناسایی اجزاء مختلف کار دشمن، هر اطلاع جزئی و ظاهراً بی ربط را به رهبری سازمان ارائه کرد. یقیناً هم اکنون اکثریت قریب با تقاضای (حتی رفقائی که مدت ها پیش شور و شکر کرده اند) دارای اطلاعات خرد و ریز، کم اهمیت و پرا اهمیت از حکومت و کارگزاران ریز در دست آنها هستند که با توجه به توضیح فوق مطمئناً می توانند به میزان اطلاع و آگاهی رهبری سازمان از دشمن بیفزایند.

که در جنگ این جمهوری ضربه گرگانه را آموخته اند حمایت کنند. اگر بیما رند، اگر غمهای ما را در دنیا اگر به چیزی احتیاج دارند به کمک ما می شتابند. این پشتیبانی و مراقبت از یکدیگر در مورد اکثریت زندانیان صادق است. رزمندگان اسیر تلاش دارند که وحدت عمل همه نیروهای مقاومت را تقوام در زندان را تأمین کنند و عمل به این کار موفق شده اند. رژیم شاه همگشتار رفراوان کرد و زندانیهای طویل المدت داد. اما بسیاری از آنها می که حبس ابد هم گرفته بودند، حتی ۱۰ سال هم در زندان نماندند. ما می هیچ خریدی اعتقاد داریم که درهای زندانیهای جمهوری اسلامی نیز توسط مردم قهرمان می زندانیان جمهوری خواه شد و انقلابیون سراسر از موفقیت برای ساختن مین، عزیزان در کنار مردم بیخاسته قرار خواهند گرفت.

حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور درگذرد. در این مراسم جمعی از مسئولین انجمن های اسلامی کارخانجات استان تهران گفتند: "با بدیسی کنیم تمام کارخانجات، تمام دولت و تمام ما ایران انجمن اسلامی شویم" و اضافه کرد: "جا بگناه انجمن های اسلامی در کارخانجات، ادارات و محیط های آموزشی و فرهنگی بسیار رسیده است. در صورتی که انجمن های اسلامی که صدر مدبران در خط اسلام هستند، مدیریت دستگا های ما هم اسلامی و انقلابی باشد، هیچگونه مشکلی در اداره کشور نخواهیم داشت."

رسالت انجمن های اسلامی چیست که اینگونه بر نقش آن تاکید می شود؟ رژیم با تقویت و گسترش این ارگان ها و رویای شوم تبدیل ایران به انجمن اسلامی، چه گرهی را می خواهد از کارش بر بسته خود بگشاید؟

واقعیت آن است که تا کسب برحسانیت معتر انجمن های اسلامی و لزوم تقویت آن با تشدید دامنه تاراجی مردم و سلب اعتماد فزاینده توده ها از حاکمیت رابطه مستقیم دارد. انجمن های اسلامی چه در کارخانجات و ادارات، چه در ارگان های آموزشی و فرهنگی و چه در محلات قبل از هر چیز یک وظیفه دارند و آن چشم و گوش رژیم بودن است. تقویت و گسترش انجمن های اسلامی در کشور جز تقویت شبکه خبرچینی و جاسوسی و تشدید دامنه اختناق پلیسی علیه مردم معنای دیگری ندارد. کارنامه سیاه انجمن های اسلامی در کارخانجات، ادارات و واحدهای آموزشی و فرهنگی، و جبهه مختلف ماهیت ارتجاعی این ارگان پلیسی را بخوبی نشان می دهد. برای توده های وسیع کارگران و کارمندان، دانش آموزان و دانشجویان و شمار کثیری از مردم رابطه تنگاتنگ انجمن های اسلامی با وزارت اطلاعات، سپاه، دادستانی و کمیته ها پوشیده نیست. برای بسیاری از مردم، کلمه انجمن اسلامی مترادف است با ساواکی. و این نخستین دلیل منفور بودن این ارگانشان در نزد مردم است. انجمن اسلامی در محیط های کار و زندگی مردم و نیز در ارگان های فرهنگی و آموزشی نیروی اصلی مدافع و مبلغ سیاست ادامه جنگ، اخذ از مردم برای جبهه و شهید و تطبیع توده مردم برای گسیل به جبهه های جنگ است. تبلیغ مستمرا یدئولوژی ارتجاعی و سیاست های ضد مردمی، ضد کمونیستی و پان اسلامیتی رژیم وظیفه دانشمندی این ارگان است. آزادی های سبزی و مقابله با هر حرکت دموکراتیک در محیط های کار و زندگی مردم، مخالفت با هر گونه اعتراض صنفی و سیاسی زحمتکشان و ممانعت از برپایی هرگونه تجمع و تشکیل مستقل صنفی و دموکراتیک، از مشخصه های

با رزم عملگردها این ارگان است. تلاش برای نفوذ در محافل کارگری و قبیحه کردن انحصاری شکل های صنفی در محیط های کار و واحدهای آموزشی کشور یکی دیگر از وجوه مشخصه انجمن های اسلامی است. درست بخاطر همین مجموعه وظایف است که ترکیب اعضای انجمن اسلامی را فرصت طلب ترین، خود فروخته ترین و عقب مانده ترین عناصر تشکیلات

انجمن های اسلامی محکوم به انحلال اند

می دهند. محتشمی وزیر کشور، در گذشته با وزارت کار گرفته است که: "با بدیسی انجمن های اسلامی را از عناصر ضد انقلاب، نفوذی، رفاه طلب، شروتمند و اشرافی پاک کنیم". اگر آنچه که محتشمی گفته است عملی شود در آن صورت دیگر چیزی از انجمن های اسلامی باقی نخواهد ماند!

انجمن های اسلامی بواسطه موضع گیری ها و عملگردهای پلیسی و سرکوبگرانه شان در مقابل تاراجی ها و اعتراضات توده ای، روز بروز منزوی تر و منفورتر شده اند. طی سه ساله اخیر بدین حال همسران و تقابل بین توده مردم ویژه کارگران با ارگان های حاکمه، استعفا و کناره گیری عناصر برپاکننده مادی از انجمن های اسلامی وسیع تر شده است. مثلا در جریان اعتماد دختاریات بخاطر عملگردهای خائنه انجمن، ۸۰٪ کارگران عنوان انجمن اسلامی استعفا دادند.

در ارتعاش بحران اقتصادی، افزایش فشار ناشی از جنگ بر زندگی مردم و عملگردهای بنفایت ارتجاعی انجمن ها، روند نفروپاشی و تجزیه انجمن ها و انزوا ی فعالین اصلی آن تشدید شده است. این امر نه تنها در کارخانجات، بلکه در مدارس و دانشگاه ها، در ادارات، محلات نیز مشهود است. فروپاشی درونی و انزوا ی انجمن های اسلامی، راه مبارزه برای انحلال آن ها موثرتر می کند. در هر سال از همین سرشود است که مقامات می گویند با برگزاری سیمینا رها و تخصیص امکانات وسیع، این ارگان را بر سرپا نگه دارند. سرحدی - زاده در گرده های وزارت کار با توجه به تشدید مقابله مردم با انجمن ها، خطاب به مسئولین انجمن های اسلامی با نگرانی هنداردا دگه: "انجمن های اسلامی با بدیسی نندکد که چگونه تحمل کند که مردم به مقابله و بدیسی تحریک شوند، این هنداردا انجمن های اسلامی است که آلودگی ها را (آلودگی های خود را) سرتف کند که کسی به مقابله با آنها بر نخیزد و

افزود: "متوجه باشید که از بین نروید". سرحدی زاده همانند بسیاری دیگر از مقامات حاکمه می بیند که انجمن های اسلامی از منظر آلودگی و فساد در شرایط فعلی است. لذا، مدبوحه می گویند ما مع از هم با بدیسی آنها شود. غافل از آنکه اینهمه فساد و بی نظمی را رفع ندیسیست مگر با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انحلال تمامی ارگان های پلیسی و سرکوبگر آن.

وزیر کشور برای حفظ و تقویت انجمن های اسلامی به فکر تشکیل یک مرکزها هگ کندند سرسری برای آنها افتاده و تا کیدی کند: "با بدیسی و سرکوبی بوجود آید که اختلاف نظر های انجمن های اسلامی مشکلات را که گاهی در رابطه با مدیریت ها وجودی است در بر ساحل و فصل کند. تا آن مهم نیست، اتحاد، شورای عالی یا هر چه که باشد، یک جایگاه مورد قبول و مقام تصمیم گیرنده لازم است که انجمن های اسلامی را هما هگ و همسوا انقلاب به پیش برد."

وزیر کار و روزنامه نویسیان اموراتی و استخدا میسی مجلس نیز این دعوت عاجل را الیک گفته و در سمره ماده ۱۳۲ لایحه جدید قانون کار اسلامی "تشکیل یک کارکنون سرسری برای انجمن های اسلامی" را کنجا نده اند. به این ترتیب برای سرپا نگه داشتن این کارکنون توطئه و فساد استفاده هر چه موثرتر از این جماع علییه مردم، امکانات قانونی لازم سر فراهم شده است. تنهایی ماندک شکل و آن رفع مسایل فیما بین انجمن ها و مدیران است. سرعیم محتشمی با حل این مساله "دیگر هیچ مشکلی در امر اداره کشوری نمی ماند. (البته بهر مخالفت توده های میلیونی با کلیت این رژیم)، مشکلات فیما بین انجمن ها و مدیران، می توانند بخوسی و خوشی حل شود، اما این چیزی از مشکل آقسیایی محتشمی و دستگاه حاکمه نمی کاهد، زیرا "مشکل" اخیر دیگر از مسائل اختلافات بر سر نحوه فریب و جپاول مردم نیست، بلکه سر برود و نبودن ارگان های ضد مردمی رژیم و تمامی دستگاه حاکمه است. قدر مسلم آن است که نه حمایت همه جانبه رژیم و هیچ تشوات "قانونی" وغیرا سوسی دیگر، نمی توانند انزوا ی روز افزون انجمن های اسلامی را (که جلوه ای از انزوا و انفراد کل رژیم است) مانع شود.

واقعیت و منطق زندگی و مبارزه مردم نشان می دهد که شعار تبدیل ایران به انجمن اسلامی شعاری است نه تنها مبتذل بلکه واهی، اما تبدیل همه مراکز کار، آموزش و زندگی به عرصه مبارزه متحد و همگامی برای انحلال انجمن های اسلامی و سرنگونی رژیم صحنی شعاری است منطقی و عملی.

لایحه "جدید"...

بقیه از صفحه اول کارگما و هیات تخصصی در واحدهای کسبه شورا موجود نیست (مجاز است (ماده ۲۶). طرح این شرط در لایحه جدید در مقایسه با لایحه سال ۶۴ یک عقب نشینی در برابر کارگران است. اما در واقعیت امر تغییر دمی ایجاد ندی کند. جسون شورا های موجود با ضوابط و شرایط غیر دموکراتیک تشکیل شده اند. و بیانگرا راه کارگران نیستند. لذا نمی توانند مدافع حقوق کارگران در مقابل دولت و کارفرما باشند.

در واحدهایی که شورا نیست اوضاع به مراتب بدتر خواهد بود زیرا "هیات تخصصی" حتی بطور رسمی اسمی هم نمی آیند که کارگران نیست، بلکه عمدتاً مرکب از نمایندگان کارفرما و دولت است. در ماده ۲۵ لایحه آمده است که: "در نتیجه از طرف کارفرما تغییرات عمده ای در شرایط کار (با رعایت کار، محل کار، نوع کار، مزد و حقوق و مزایا) که برخلاف عرف معمول کارگما و ویاء عرف محاسبل باشد صورت گیرد، کارگر حق فسخ قرارداد کار را خواهد داشت. در این صورت کارفرما مکلف به پرداخت خسارت اخراج خواهد بود. با اینصورت روشن تر نمی توان کارفرما را تشویق به اخراج نمود، اما نه به کارفرما می گوید: برای آنکه کارگر به اخراج تن دهد، می توانی شرایط کار را و سخت تر کنی، استسما را تشدید کنی، از مزد و حقوق و بزننی، یا او به این استسما رشدهتن خواه دداده که چه بهتر و بی آنرا تحمل نخواهد کرد، در اینصورت راه اخراج او از نظر کارکنون باز است. تنهایی ما ماند پرداخت خسارت ناچیز اخراج (مثل ماده ۳۳ قانون کار زمان شاه). ماده ۲۴ لایحه جدید نیز بطور غیر مستقیم راه اخراج کارگران را در بخش وسیعی از واحدها باز گذاشته است. اینها هم می گویند: "هرگاه کارفرما دنگا بر برای مدت معین و یا برای انجام کار معین منعقد شده باشد، هیچیک از طرفین به تنهایی حق فسخ آنرا ندارد. در اینجا است که قرارداد های دائم آثاره ای نشده است. بدیسی است که قرارداد کار در اغلب واحدهای بزرگ، قرارداد کار دائم است، یعنی کارگرا استخدام می شود و به ما زدنستی می پردازد که تا دوره با زدنستی کار کند. قیاسد عبارت "قرارداد برای مدت معین و یا برای انجام کار معین" به تنهایی موضوعیت ندارد، مگر آنکه

بدینا ل آن اضافه شود که در مورد قرارداد دائمی نیز کارفرما حق فسخ قرارداد را بدون تالیسد تشکیل مستقل کارگری ندارد.

فد دموکراتیک ترین جنبه لایحه جدید قانون کار نقض آشکار حق برخورداری کارگران از شکل صنفی مستقل است. فصل ششم لایحه جدید به شکل های کارگری پرداخته است. بر اساس مفاد قانون برای اسلامی (کار) معویه زمستان ۶۳ تنظیم شده که مسا مشخصه های فدکا گیری و فددموکراتیک آنرا در ماده ۱۵ نشریه "کار" به تفصیل شرح داده ایم. اما نکته جدید در این فصل لایحه، تاکید بر ایجاد

دلیل آن نیز بخوبی روشن است. در این لایحه، موارد متعددی از نقض حقوق صنفی کارگران منجمله حقوق ویژه زنان و نوجوانان کارگر وجود دارد که به اختصار به آن اشاره می کنیم: در تبصره ۱ ماده ۲۶ آمده است که تشخیص موارد مشخص منوعیت کار شبانه زنان، صرفا بعهده وزارت کار است. شکل های کارگری در تشخیص و تعیین این موارد موارد متناهی کمترین نقش دارند.

تبصره های ۱ و ۲ ماده ۲۷، مرخصی زایمان کارگران زن، با استفاده از تمام حقوق و مشروط به تأیید سازمان تامین اجتماعی کرده است. در ماده ۲۹ لایحه جدید، آمده است که در صورتی که تعداد اطفا، کاررانی که در یک واحد کاری کنند بیش از ۱۰ نفر باشد کارفرما مکلف است مجلسی برای نگهداری آنها اختصا می دهد. طبق این ماده نه تنها برخورداری از شیرخوارگاه

و کودکان در واحدهایی که کارگران کمتر از ۱۰ کودک دارند بلا تکلیف مانده، بلکه برای واحد های "واجبند" نیز تنها "مجلسی برای نگهداری اطفال" در نظر گرفته شده و هیچ اشاره ای به لزوم ایجاد کودکانستان نشده است. تدوین کنندگان لایحه خوب می دانند که کودکانستان، تنها محل نگهداری کودک نیست و ایجاد آن نیازمند امکانات معین تربیتی، بهداشتی، آموزشی و رفاهی برای کودک است. حال آنکه آنچه آنها در نظر دارند تا رسا اتاقی با یک ناظم برای نگهداری کودکان کارگران است و رفع تکلیف از خود.

طبق ماده ۹۵، شرایط تشکیل کمیته های حفاظت فنی و بهداشت کار در واحدها، ترکیب اعضای آن و نیز تشخیص اینکه در کدام واحدها بدین کمیته تشکیل شود، با وزارت کار و شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت حرفه ای است. تشکیل های کارگری در این زمینه نیز هیچ نقشی ندارند.

به مواردی که برنمردیم می توان نمونه های دیگری نیز که مهم نیز هستند، نظیر قرارداد های دسته جمعی را افزود که بحث آنرا به فرصتی دیگر می گذاریم. در بررسی کلی این لایحه باید گفت که هر چند در مقایسه با لایحه سال ۶۴ بسا نگر عقب نشینی های ی از سوی رژیم است، اما از آنجا که اساسی ترین حقوق صنفی کارگران از قبیل حق امنیت شغلی، حق اعتصاب و در اس همه حقوق برخورداری کارگران از شکل مستقل صنفی را نقض کرده است، لذا در کلیت خود لایحه ای است ضد دموکراتیک و ارتجاعی. زیرا حق تشکیل کارگری ستون فقرات قانون کار و مهم ترین فام من حقوق دیگر حقوق صنفی کارگران است.

کارگران پیشرو و آگاه با پیدا اعتراضات کارگری علیه این لایحه را پیش از همه حول دو محور حق شکل و حق امنیت شغلی متمرکز کنند. نیروهای سازمان ما باید بر اساس روشمندی مندرج در شماره های ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ "کار" ضمن افشای همه جانبه ضوابط تدوین یک قانون کار در لایحه قانون کار، ضوابط تدوین یک قانون کار دموکراتیک را برای برخورداری از یک قانون کار مترقی را سازمان دهند.

قانون کار باید مدافع حقوق کارگران باشد

۶۹ سال از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر می گذرد. طی این سالها، آفریده انقلاب اکتبر، کشورشوراها را هی فراز مند و افتخار آفرین راپیچوده است. راه پرفراز و نشیبی که از پیروش قهرمانانه کارگران و سربازان پیشروگرا در دهه ۱۹۱۷-۱۹۲۰ زمستانی "تزارآغا زگردید، میدان های نبرد خونین علیه ستمگران و مستبدین رادرنوردید، سسورش چپا در دولت تزار و زگرگراچی راپشت سر نهساده، دوران پر رنج ولی خلاقانه سازندگی سوسیالیستی و بی ریزی زندگی نوین را طی نمود، ارتش جهنمی هیتلر را با نبردهای حماسه آفرین از پای آورد و با درو محرومیت، دوران بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ رابه پایا ن برد. اینک کشورشوراها ستاز سخنرنا پذیر سوسیالیسم پیروز منداست.

پیشرفت سوسیالیسم از جمله عوامل عینی بازدارنده بودند. بعلوه شرایط ذهنی نیز در این روند موثر بودند. هما نگونه که در ویرایش جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی آمده است: حزب با پیا مدهای ناشی از کیش شخصیت، انحراف ناشی از نقض موازیسم لنینی رهبری حزبی ودولتی، اشتباهات با خصلت ذهنی گرابی (سویژکتیویستی) واراده گرابیسی (ولونتاریستی) مواجه بوده است.

اکتبر، چرخش بنیادین تاریخ

درویرایش جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است که در سالهای دهه هفتاد اوایل سالهای هشتاد دیرخی گرایشهای نامسا عدمشکلات عدیده مشا هده گردید، این نارسا بیپها در ارتباط با این امر بود که دگرگونیهای اقتصادی و ضرورت تحولات بنیادی در همه عرصه های زندگی، به موقع و بطور شایسته از برای نشدوبیکیری لازم در اجرائ آنها بحمل نیامد.

با این نارسا بیپها ومشکلات درکنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی قاطعانه برخوردند. کنگره ۲۷ برجم انتقال داز روند های منفی دهه هفتاد اوایل دهه هشتاد در برافراشت وبرم رازه می رحما تسسه علیه ناپدیده های منفی که سوسیالیسم بیگانه است پای ن فرود. دگرگارش کمیته مرکزی به کنگره گفته شد: "تیا زبه گسترش انتقال دواتقا داز کنسونه افزایش تلاش برای از میان برداشتن ظاهرسازی مبرم تراز همیشه است". میخائیل گابا یف دبیرسر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی درکنگره ۲۷ اظهار داشت: "سپش از شش دهه پیش، با اشام بحسث حول گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) درکنگره یا زدهم، وا، لنینیسن فکری را که ز اهمیت اصولی برخوردار است، بیان کرد: "همه حزب انقلابی که تا کنون از بین رفته اند، از آنجا از بین رفته اند که مغرور می شده اند و نمی توانستند ببینند که قدرتشا ن درجیسمت و می تسریدند که ضعف های ذوخصیت کنند، اما ما از بین نخواهیم رفت، چرا که از صحبت از ضعف های میان بینی هر اسیم وبرطرف کردن ضعف های میان رامی آموزیم". ما همیشه نظور به شیوه لنین درکنگره مان عمل کردیم و همیشه نظور در آینه عمل خواهیم کرد."

درکنگره گفته شد که هدف عاجل حزب و همه مردم این است که قاطعانه گرایش های ناخوآنا بسند رشد اقتصادی رابه مسیر درست هدایت کنند. تحرک لازم رابه آن بازگردد اندوبه خلاقیت و ابتکار بوده هما میدان داده و به تغییرات حقیقتا انقلابی دست یازد. عال مل اصلی تضمین موفقیت، خلاقیت زنده توده ها و جدا کثروسدجستن از برتری های نظام سوسیالیستی است.

در ارتباط با ارتقا خلاقیت زنده توده ها، کنگره براین نکته تاکید کرد که حزب باید پیوسته مواظبت کند که فعالیت شورا های نمایندگان خلقی که با سیاسی اتحاد جماهیر شوروی و حلقه عمده خودگرا نی سوسیالیستی خلق آس بهبودیابه. حزب باید به تکامل بخشیدن اشکال نمایندگی خلیسمتی اصول دموکراتیک نظام انتخابی شوروی، تا مین بحث وبررسی از دوهما جنبه، کیفیت تفردی و کارایی نامزدهای نمایندگی اهمیت بسیار قابل شود.

کنگره برتکامل سیستم سیاسی جامعه شوروی درست در زمانی که فریاد دشم و اعتراض مسادران زرد دیده و نگران علیه گسیل اجباری جوانان به جنگ بیشتر و بیشتر اوج می گیرد و آن را با چنگ و دندان می دهد، دشنه فرزندان خود را ازینجه مسرک آور خمینی نجات دهنده، بی شرانه می گوید: " ما درها آنقدر قوی شده اند که واقعا با طیب خاطر بجه های خود رابه جبهه می فرستند". و با زهم درست در زمانی که بر اشراسیاستهای ضد خلقی رژیم وادامه جنگ روستا های کشور ویران شده اند و کوشا وری دراستانه روستکستی قرار گرفته است، مدعی می شود که " این جنگ روستا های ما را عمیقاً عوش کرده است و فرهنگ جها در ایه روستا ها برده است... روستا ها عمیقاً قوی شده است". رفسنجانی " دستا ورد بسیار عظیم دیگر جنگ رازبیین رفتن وحشی که دنیای اسلام از جنگ طولانی داشت برشمرد، ویا لافره جسنون جنگ پرستی خود را با الهام گرفتن از فاشیستهای آلمانی و ژاپنی آشکارا ساخت و گفت: " تا ریسخ جنگا در مورد مسایل مادی و خسارات فیزیکی نشان می دهد، تخصصی که پدید می آید و تجربیا تسبی که ملت بدست می آورد، خسارات جنگ راخلیسی زود جبران می کند، ژاپن و آلمان، دو کشوری هستند که در جنگ بیشتر خسار تنها راداشتند، اما حال از کشورهای مشابه خود جلوتر هستند... حتی در کشوی مثل ژاپن و آلمان که منابع غنی مارا ندادارند، مغزهایی که در جنگ رشد کرده اند، فرادار میسدان

تا یکدیگر: " ساله کلیدی دریاست حزبه تکامل و تقویت دولت سوسیالیستی شوروی و ارتقا هر چه بیشتر خصلت دموکراتیک آن بمشابه دولت عموم خلقی است " (متن جدید برنامه سوم). در برنا مه گفته شد که حزب بدون تنزل مشی دموکراتیک تیزه کردن دستگا ه اداری راپیش خواهد برد و در روند طرح واتخاذ تصمیم های مهم دولتی، عقا یسد گوناگون و پیشینیه دهای زحمتگشا ن رادر نظر خواهد گرفت. باید دستگا ه اداری راسا ده و کم هزینه ساخت. مثلا هر بیوروکراتیسم، ظا هر پرستی و مقام پرستی را با یدریشه کن کرد و کارمندان بی صلاحیت را بیرون ریخت. حزب می کوشد که کمیونهای کنترل مردمی بیوتواند موثرتر عمل کند.

درکنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی نکته کلیدی ومحور اصل بحث ها، شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی واتجماعی بود. دگرگارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شد: " لیدر کلمه تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی کشور، کلید کلید مسایل موجود، مسایل دوروزدیگ اقتصادی ویا اجتماعی، سیاسی ویا ایدئولوژیکی، داخلی ویا خارجی می باشد. تنها از این طریق می توان ویا پدیده وضع کیفیتا نوین جامعه شوروی نایسل آمد" برای این منظور کنگره تصمیم گرفت که تسا آخروبن حاضر، میزان تولید ونیز در آیدملسی درویرا برگردد، بازده کار ربیین ۲/۳ تا ۲/۵ برابر افزایش یابد، مصرف انرژی به ازای هر یوسیل در آیدملی ۲۸/۶ درصد مصرف فلزات تقریبا ۵ درصد کاهش یابد. این امر طبعاً حاکی از چرخش تسریع به سوی گسترش عمقی تولید و بهبود کیفیت آن است. استراتژی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی عبارت خواهد بود از: پیشرفت علمی وفنی واتحول اساسی نیروهای مولد جامعه، بر پایه بازسازی کامل اقتصاد ملی و گریزی آخرین پیشرفت های علمی وفنی راه کما یی در مقدم ترین عرصه های علمی وفنی و نوسازی مکانیسم اقتصادی ونظام مدیریت.

حزب کمونیست اتحاد شوروی از کنگره ۲۷ بر سو درجهت اجرای برنامه های پیش بینی شده با تمام قوا اگوشیده است. آمارها وفاکت ها حاکی از آن است که پیشرفت های جدی در طی این مدت حاصل شده است. فعالیت های جدی برای تامین استراش و تسریع و بازسازی اقتصاد ملی به پیش رفته است. ولی با این وجود پیشبردا ده فیکنگره ۲۷ با مشکلات ومقاومت هایی نیز مواجه است.

اما حزب کمونیست اتحاد شوروی در اجرائی برنامه های مصوب کنگره با قاطعیت علیه مواضع موجودی رژیم. حزب فرادسی صلاحیت ومقام پرست را کنار می گذارد، رشوه گیران ومختلسین رابه مجازات می رساند، با در آدهای که مشروعوا کلیمس میا زده می کنند، با اندیشه های کهنه و دکما تیک که مانع شکوفایی وسر بسزی ایده های نوین هستند بیگارا مولی راپیش می برد. حزب می کوشد که حیات معنوی وما دی جامعه تحرک جدیدی بخشد. ونقش خلق وسازنده توده ها رادر روند بازسازی جامعه ارتقا بخشد.

امروز حزب کمونیست اتحاد شوروی مصمنا کن در راه آرمانهای انقلاب کبیرا کتبرودر راه سازندگی کمونیستی و صلح گام برمی دارد. حزب باطمینان به آینه نده می نگرند. زیرا آینه نده از آن سوسیالیسم است وسوسیالیسم جامعه ای است که بر درفش آن نوشته شده است: " همه چیز به نام انسان، همه چیز برای بهروزی انسان "

پیروزی انقلاب اکتبر در روند انقلابی جهان تا شرات تعیین کننده ای به جای گذاشت. با تشکیل کشورشوراها، تنکبه گاه نیرومندی برای بیکار خلق ما علیه استعمار واستعمار بوجود آمد. انقلاب اکتبر نیروی تازه ای به جنبش کمونیستی و کارگری بخشید و راه را برای کامیابی هر چه بیشتران باز کرد. اکتبر و مولودا بنیاد مادی ومعنوی عظیمی برای پیروزی خلق های تحت ستم در راه رها یسی ملی واتجماعی پدید آورد. با پیروزی انقلاب اکتبر شکاف عمیقی در زنجیر بیهوشی جهان رسو مایه داری بوجود آمد و فروپاشی نظام استعماری آغاز گردید.

انقلاب اکتبر راه اشاعه اندیشه های سوسیالیستی و جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و تلمسبوری و تا کتیک انقلاب پرولتری رادرسا رجهان کشود. اکنون که ۶۹ سال از انقلاب اکتبر می گذرد، تجارب اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی بطور مقنی برتری های انکارنا پذیر جامعه نوین را بر سر مایه داری نشان داده است.

طی این مدت سیمای جامعه اتحاد شوروی بکلی دگرگون شده است. اکنون همه وسایل تولید در دست مردم است. این امر شرایط مساعدی برای رشد و پیا وبرتی همه راجیه بوجود آورده است. در کشور شوراها برخلاف کشورهای پیشرفته سرمایه داری پیشرفت علمی - فنی منجر به بیکاری میلیونها انسان نمی گردد. در اتحاد شوروی حقوق مساوی در برابر کار بر بر طبق اصل: " از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش" تضمین می شود. هسسر شهروند شوروی از تسلیم و تریبیت وسپداشت رایگان برخوردار است فقط با بابت حق مسکن اجاره بیهی نا چیزی می پردازد.

اتحاد کارگران، دهقانان و روشنفکران در اتحاد شوروی استحکام یافته است. زنان از حق مسوق برابر با مردان برخوردارند. نسل جوان با اطمینان به آینه نده می نگرند. بازنشستگان از آینه نده خودوا همه ندادارند ودولت تا مین اجتماعی انسان را تضمین می کند.

در عرصه جهانی اتحاد شوروی همراه با سایر کشورهای سوسیالیستی به تنکبه گاه بزرگ جنبش های انقلابی و دموکراتیک و در آستوار صلح روی زمین تبدیل شده است.

آچه در طی این سالها انجام گرفته است، گام های اولیه نظام کمونیستی است. طبیعی است که همه امکانات برای شکوفایی این نظام وجود نداشت. مواضع جدی سدر اه این شکوفایی بودند. سطح نازل رشد نیروهای مولده در زمان قبل از انقلاب اکتبر، خرابیها وقربانیهای ناشی از جنگ جهانی اول، جنگ داخلی و جنگ جهانی دوم وتلاش مستمرا مبریا لیستها برای متوقف کردن

فایشیسم هیتلری رسو منقی برای رژیم خمینی

رفسنجانی در تازه ترین تحلیل خویش (۱۸ شهریور) تمام کوشش خود را بسعه کار برسد تسا ویرانی ها و کشتارهای جنگ رانا چیزوی اهمیت جلوه دهد، ا و گفت: " محمول معنوی جنگ مهم است" و با بد "زیبایی های جنگ و آثار مثبت معنوی فرهنگی جنگ را استخراج کنیم". اوسپن به "استخراج این آثار معنوی برداخت ومدعی شد: " بجه های مردم مثل کوه شده اند... چونان قوی هستند که با تجربه و تحلیل و تشخیص خرد بجه می روند و دیگر کما ضرر نیستند از بجه بر گردند". ا و اضا فته کرد: " مردم اینگونه شده اند و صحبت از تعدادی از مردم نیست، بلکه همه اینطور شده اند". رفسنجانی در زمانی چنین پیاوه سرا بی می کند که رژیم برای مقابله با موج گسترده فرار جوانان از جنگ و بجه سرگوب مخالفتی اوج یابنده آنان از علیه جنگ، همه نیروی جهنمی خود را بسیج کرده است. قوانین مستعدی در جهت مقابله با جوانان ناراضی از جنگ سرگوب آنان به تصویب رسا نده است. عمعالم سلم و وحشی خود را در سرا سرا یران برای دستگیری جوانان و کسبل آنان به جبهه ها به کار گرفته است. رفسنجانی این حقایق را می داند، اما وظیفه او دروغ گفتن وتوجیه جنگ است. بر این اساس باز

سازندگی قوفا می کنند. حرف آخرا ن آخوندیها در چند باره و چند باره با یدبرای مردم خواند معنی کرد تا عمق شبه کاری این رژیم با زهم بیشتر آشکار شود. رفسنجانی می داند که در جنگ دوم جهانی، کشورهای صلح دوست آماج حمل فاشیست ها بودند و اتحاد شوروی در دفاع از خود و برای دفع فاشیسم ۲۰ میلیون کشته داد و اقتصاد آن کشور ویران شد. اما پس از جنگ، مغزهای صلح دوست آن کشوری خون نشسته، کشور خود را در اوج قدرت واقتدار قرار دادند. اما رفسنجانی جنگ افروز و فاشیسم ستا نیدال سر مشق های دیگری برای جمهوری اسلامی است. و دنبال آن سر مشق هایی است که جنگ افروز و جنگ ستا ومهاجم خونریز هستند. ونه آنان که مدافع صلح و بیزار از جنگ اند. بقیه در صفحه ۸

آدرس: P.O. 1091 WIEN AUSTRIA

ا تریب: AUSTRIA - WIEN BAWAG HR. 029 10701 - 660 DR. GERTRAUD ARTNER

حما به پناکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG HR. 029 10701 - 660 DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!